

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۰۹ اکتوبر ۲۰۲۴

## اولین سالگرد حمله حماس به اسرائیل و نسل کشی دولت اسرائیل



بهرام رحمانی

## اولین سال گرد حمله حماس به اسرائیل و نسل‌کشی دولت اسرائیل!



نویسنده: بهرام رحمانی

تاریخ انتشار: ۷ اکتوبر ۱۶-۲۰۲۴ ۲۰۲۳ مهر ۱۴۰۳

ناشر: نشر کتابخانه گرایش مارکسی

### فهرست مطالب

#### \*مقدمه

- \* هزینه‌های انسانی و ویرانی‌های جنگ غزه به‌روایت آمار
- \* عملیات هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ به اسم رمز «طوفان‌الاقصى»
- \* گاردین افشا کرد: حمله حماس به اسرائیل چگونه شکل گرفت و اجرا شد؟
- \* یک‌سال بعد از هفتم اکتوبر، آیا حماس نابود شده است؟
- \* جزئیاتی از انفجار پیجرها در لبنان؛ «۹ سال برنامه‌ریزی شد»
- \* کمک نتان یاهو به حماس، با هدف جلوگیری از برپایی کشور فلسطینی
- \* نتانیاهو در معرض انتقادها
- \* ادامه حملات سنگین‌تر اسرائیل به لبنان در سال‌گرد هفتم اکتوبر
- \* یک سال جنگ؛ مادران آواره غزه برای زندگی نوزادان خود می‌جنگند
- \* کانال ۱۲ اسرائیل: اهداف مورد نظر اسرائیل برای حمله به جمهوری اسلامی
- \* پیامدهای اقتصادی جنگ احتمالی ایران و اسرائیل؛ چه سناریوهایی مطرح است؟
- \* کابوس جنگ تمام عیار؛ درگیری هوایی، دریایی و حتی زمینی ایران و اسرائیل چگونه خواهد بود؟
- \* تشدید سانسور و تهدید در ایران
- \* نفتالی بنت: اسرائیل باید برای سرنگونی جمهوری اسلامی به تاسیسات اتمی و مقامات ایران حمله کند
- \* سال‌گرد جنگ اسرائیل در غزه؛ هزاران طرفدار فلسطین در سراسر جهان به خیابان‌ها آمدند

\*جمع‌بندی

## مقدمه

۷ اکتوبر ۲۰۲۳؛ در آن روز شوم تروریست‌های حماس و چند گروه ستیزمجوی فلسطینی دیگر حملات مسلحانه هماهنگ‌شده‌ای را از نوار غزه به جنوب اسرائیل آغاز کردند که اولین تهاجم به خاک اسرائیل از زمان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بود. ارتش اسرائیل تخمین می‌زند که حدود ۳۰۰۰ شبه‌نظامی به جنوب اسرائیل حمله کردند. شبه‌نظامیان حماس در مجموع ۱۱۳۹ نفر را کشتند. حدود ۲۵۰ غیرنظامی و نظامی اسرائیلی به عنوان گروگان به نوار غزه برده شدند.

حماس این حملات را عملیات «طوفان الاقصی» نامید، در حالی که در اسرائیل به آن «شنبه سیاه» یا «کشتار تورات سیمجات» می‌گویند.

حال سؤال مهم این است که ارتش و نهادهای امنیتی مرزی و موانع متعددی که اسرائیل در مرزهای خود از جمله دروین‌های هوشمند و غیره کجا بودند که این سه هزار شبه‌نظامی حماس توانستند به راحتی و بدون هیچ‌گونه مانع و درگیری وارد شهرک‌های مرزی اسرائیل شوند و عملیات بی‌سابقه خود با موفقیت انجام دهند و حتی ۲۵۰ نفر را نیز گروگان بگیرند و با خود با غزه ببرند؟! چنین ماجرائی با توجه به چشم و گوش باز دایمی نهادهای امنیتی اسرائیل و گشت‌های ۲۴ ساعته، به ویژه در مرزهایش با غزه، حیرت‌انگیز و غیرقابل باور است. به خصوص ارتش اسرائیل آن‌قدر آمادگی داشت که بلافاصله حملات ویرانگر و خونین خود را به غزه آغاز کرد. البته در این مورد از جمله سئوالات متعددی در رسانه‌های اسرائیل مطرح شده است از جمله دو ژنرال اعلام کرده‌اند که ما تحرک نیروهای حماس را به دولت اطلاع دادیم اما اهمیتی داده نشد.

تردید نیست که هرگونه جنگ و تروریسم را باید محکوم کرد از جمله این عملیات حماس علیه شهرکنشینان مرزی اسرائیل را.

اما پاسخ اسرائیل و ویرانگر و نسل‌کشی بود: ۳/۲ میلیون فلسطینی، بی‌جا و بی‌خانمان شدند. بر اساس آماري که وزارت بهداشت غزه منتشر کرده، تعداد کشته‌شدگان در غزه از ۴۲ هزار نفر فراتر رفته است. تقریباً تمام غزه ویران شده مدارس و بیمارستان‌ها و منابع آب و برق از بین رفته‌اند و بیماری‌های مسری به ویژه کودکان را تهدید می‌کند. انواع و اقسام بیماری‌ها و گرسنگی، درد و رنج، و یاس و ناامیدی مردم غزه را غیرقابل تحمل کرده است. از اکتوبر گذشته تاکنون بیش از ۱۹ هزار کودک فلسطینی ساکن غزه یتیم شده‌اند و حدود سه هزار نفر عضوی از بدن‌شان را از دست داده‌اند.

دیوان کیفری بین‌المللی اخیراً حکم بازداشت سه رهبر حماس و همچنین بنیامین نتانیا‌هو، نخست وزیر اسرائیل و یوآر گالانت، وزیر دفاع نتانیا‌هو را صادر کرده است. هر پنج نفر متهم به جنایات علیه بشریت اند، هرچند به درجات مختلف. دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس شکایت آفریقای جنوبی از اسرائیل خواسته است از هرگونه اقدامی که طبق کنوانسیون ۱۹۴۸ به عنوان نسل‌کشی طبقه‌بندی می‌شود، خودداری کند، اما دستور توقف عملیات غزه را صادر نکرد. این سؤال مهم، همچنان وجود دارد که چگونه تشکیلات اسلام‌گرای حماس توانست از بولدوزر، پاراگلایدر و موتورسیکلت برای انجام بزرگترین حمله ۵۰ سال اخیر علیه یکی از قدرتمندترین نیروهای نظامی و امنیتی خاورمیانه استفاده کند. این عملیات دقیقاً بدترین سناریویی بود که مقامات اطلاعاتی و نظامی اسرائیل قرار بود نگران آن باشند و برای جلوگیری از وقوع آن برنامه‌ریزی کنند.

روز شنبه، ۷ اکتوبر ۲۰۲۳، حدود ساعت ۶:۳۰ صبح به وقت محلی، حماس بیش از ۳۰۰۰ راکت پرتاب کرد و ۱۰۰۰ جنگجو را از مرز غزه به شهرک‌های اسرائیلی فرستاد. با وجود گستردگی و دامنه این حمله، گزارش‌ها اعلام

کرده‌اند که مقامات امنیتی اسرائیل مدعی شده‌اند هیچ هشدار خاصی مبنی بر این‌که حماس در حال تدارک یک حمله پیچیده است و نیاز به حملات هماهنگ زمینی، هوایی و دریایی دارد را نداشته‌اند. بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی و نظامی، اسرائیل را به دلیل ناکامی اطلاعاتی‌اش در پیش‌بینی حمله مورد انتقاد قرار داده‌اند.

انگار ارتش اسرائیل منتظر چنین واقعه‌ای بود که بلافاصله جنگ بی پایان خود را نه تنها علیه مردم فلسطینی غزه، بلکه لبنان نیز بکشد و نتان یا هو نخست وزیر مذهبی و جنگ‌طلب کابینه جنگی اسرائیل، مدعی تغییر جغرافیای خاورمیانه باشد!

وزارت بهداشت غزه که تحت کنترل حماس است، اعلام کرد که حملات اسرائیل در این یک سال حدود ۴۲ هزار کشته در نوار غزه برجای گذاشته و تقریباً همه جمعیت ۳/۲ میلیون ساکن غزه را آواره کرده است.

اکنون غزه با خاک یک‌سان شده است و لبنان نیز به همین سرنوشت دچار شده است. تا این‌جا نیز راکت‌پراکنی‌هایی بین ایران و اسرائیل رد و بدل شده و اکنون نیز همه با نگرانی منتظر عکس‌العمل اسرائیل بر دومین راکت‌پراکنی ایران به اسرائیل و گسترش جنگ بین دو حکومت جنگ‌طلب و فاشیستی هستند!

پیجرهائی ساده در سپتامبر امسال در تاریخ عملیات‌های مخفیانه اسرائیل ثبت شدند، وقتی انفجار پنج هزار دستگاه کوچک و بی‌سیم‌های حاوی مواد منفجره به کشته و زخمی‌شدن شمار زیادی از نیروهای حزب‌الله لبنان منجر شد. علاوه بر صدها تن کشته و هزاران تن زخمی، یک میلیون و دویست هزار تن از جمعیت لبنان از خانه‌هایشان رانده شده‌اند.

البته فراموش نکنیم که جنگ خونین اسرائیل علیه مردم فلسطین و اشغال سرزمین‌های فلسطینی‌ها و شهرک‌سازی‌ها یهودی‌نشین با وجود اعتراضات سازمان ملل، نه با ۷ اکتوبر، بلکه از ۷۵ سال پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

در این مطلب، سعی شده است وقایع یک سال اخیر خاورمیانه و نسل‌کشی اسرائیل در غزه و لبنان از جوانب و منابع مختلف مورد بحث و بررسی قرار گیرد.



### هزینه‌های انسانی و ویرانی‌های جنگ غزه به‌روایت آمار

یک سال از آغاز جنگ ویران‌گر اسرائیل، علیه مردم غزه می‌گذرد؛ جنگی که تأثیرات انسانی، اجتماعی و زیرساختی بی‌سابقه‌ای بر جای گذاشته است.

در این درگیری که با حمله غافلگیرانه حماس به جنوب اسرائیل در هفتم اکتوبر پارسال آغاز شد، تاکنون بیش از ۴۲ هزار فلسطینی و بیش از ۱۰۰۰ اسرائیلی کشته شده‌اند. این جنگ، همچنین مرگبارترین درگیری برای روزنامه‌نگاران به شمار می‌رود، بحران انسانی گسترده‌ای در نوار غزه ایجاد کرده و خاورمیانه را به مرز یک جنگ گسترده نزدیک کرده است. در سال‌گرد این درگیری، به برخی از آمارهائی که نشان‌دهنده ابعاد این جنگ است.

بر اساس آمارهای منتشر شده توسط مقامات وزارت بهداشت در غزه که زیر نظر حماس اداره می‌شود، حدود ۴۲ هزار فلسطینی در عملیات نظامی اسرائیل در غزه کشته شده‌اند. این آمار تفاوتی بین غیرنظامیان و اعضای گروه‌های افراطی نظیر حماس قائل نشده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که تعداد قابل‌توجهی از کشته‌شدگان کودکان (زیر ۱۸ سال) هستند. ولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در آوریل گذشته اعلام کرد که «هر ده دقیقه یک کودک کشته یا زخمی می‌شود» و افزود که کودکان «بیش از حد دیگران بهای نهایی این جنگ را می‌پردازند».

بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد، برآورد می‌شود که بیش از ۱۰ هزار نفر هنوز زیر آوارهای غزه دفن باشند. حملات زمینی و هوایی اسرائیل به غزه بیش از ۹۵ هزار و ۵۰۰ نفر را مجروح کرده است. بر اساس آمارهای منتشر شده توسط سازمان جهانی بهداشت، دستکم یک‌چهارم از زخمی‌های فلسطینی با جراحات عمیق مواجه شده‌اند و بسیاری به قطع عضو و بازتوانی گسترده نیاز دارند.

کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران می‌گوید ۱۱۶ روزنامه‌نگار و کارکنان رسانه‌ای در میان ۴۲ هزار کشته‌شده غزه قرار دارند. این کمیته، همچنین تأیید کرده است که دستکم پنج روزنامه‌نگار به‌طور مستقیم هدف تیراندازی نیروهای اسرائیلی قرار گرفته و کشته شده‌اند، که این قتل‌ها به عنوان قتل‌های عمد طبقه‌بندی می‌شوند.

بر اساس گزارش سازمان ملل، بیش از ۲۵۰ امدادگر از اکتوبر ۲۰۲۳ تاکنون در غزه کشته شده‌اند. تقریباً کل جمعیت نوار غزه، یا ۹۶ درصد جمعیت، با کمبود شدید مواد غذایی دست و پنجه نرم می‌کنند و بیش از ۴۹۵ هزار نفر به‌دلیل کمبود شدید مواد غذایی با خطر گرسنگی روبرو هستند.

بر اساس آمارهای سازمان ملل متحد، تا پایان سال ۲۰۲۳، بیش از ۸۵ درصد از ساکنان غزه، یا بیش از ۹/۱ میلیون نفر، به‌عنوان آوارگان داخلی شناخته می‌شوند.

بر اساس برآوردهای سازمان ملل، بیش از ۵۰ درصد از تمامی ساختمان‌های نوار غزه تخریب شده‌اند و ۳۶۰ هزار واحد مسکونی آسیب دیده‌اند. همچنین، سازمان ملل متحد با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای اعلام کرده است که از زمان آغاز درگیری‌ها تاکنون دستکم ۵۳ مدرسه به‌طور کامل تخریب شده‌اند.

اسرائیل گفته است که زیرساخت‌ها و ساختمان‌های «تروریستی» در غزه را هدف قرار داده است. خیرگزاری آسوشیتدپرس اعلام کرده است که کمپین نظامی اسرائیل در غزه یکی از مرگبارترین و ویرانگرترین جنگ‌های تاریخ بشریت به شمار می‌رود.

با گذشت یک سال از حمله حماس به اسرائیل در هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ وضعیت در خاورمیانه متشنج‌تر از گذشته شده و تشدید درگیری‌ها میان تل‌آویو و به اصطلاح «محور مقاومت» جمهوری اسلامی در منطقه، نگرانی از وقوع یک جنگ تمام‌عیار را تشدید کرده است.

### عملیات هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ به اسم رمز «طوفان الاقصی»

از جمله تحقیقات بی‌بی‌سی، نشان می‌دهد که پنج گروه مسلح فلسطینی، بعد از تمرین‌های نظامی مشترکی که از سال ۲۰۲۰ در جریان بوده، در حملات ۷ اکتوبر ۱۵- مهر، به جنوب اسرائیل با حماس همکاری کرده‌اند.

این گروه‌ها در مانورهای مشترکی در غزه شرکت می‌کردند که تاکتیک‌های به‌کاررفته در آن بسیار شبیه شیوه‌هایی است که در جریان حمله مرگبار به اسرائیل به کار گرفته شد. یکی از محل‌های برگزاری این مانورها کمتر از یک کیلومتر با حصارهای مرزی اسرائیل فاصله داشت و ویدیوهای آن هم در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد.

این گروه‌ها در جریان مانورهای مشترک خود -که آخرین آن ۲۵ روز قبل از حمله انجام شد- گروگان‌گیری، حمله به مجتمع‌ها و نفوذ به دیوار دفاعی اسرائیل را تمرین می‌کردند.

بی‌بی‌سی عربی و بی‌بی‌سی وریفای (گروه راستی‌آزمایی در بخش خبری بی‌بی‌سی) شواهدی جمع‌آوری کرده‌اند که نشان می‌دهد حماس چگونه گروه‌های مسلح غزه را برای آموزش شیوه‌های رزمی خود گرد هم آورد تا در نهایت عملیاتی را اجرا کند که منطقه را درگیر جنگ کرد.

روز ۲۹ دسامبر سال ۲۰۲۰ اسماعیل هنیه، که عملاً رهبری حماس را در دست داشت، برگزاری اولین مانور نظامی از چهار مانور مشترک با اسم رمز «ستون استوار» را اعلام کرد و گفت که این تمرین‌های نظامی با هدف ارسال «پیامی قاطع» و به‌عنوان «نشانی از اتحاد» میان گروه‌های مسلح مختلف در غزه انجام می‌شود.

حماس به‌عنوان قوی‌ترین گروه مسلح در نوار غزه، نیروی غالب و برتر این ائتلاف بود که در مجموع ۱۰ گروه فلسطینی دیگر را برای رزمایشی تحت نظارت «اتاق عملیات مشترک» گرد هم آورده بود. چنین ساختاری در سال ۲۰۱۸ با هدف ایجاد هماهنگی میان گروه‌های مسلح غزه تحت یک فرماندهی مرکزی بنا شده بود.

قبل از سال ۲۰۱۸ حماس رسماً با گروه «جهاد اسلامی فلسطین»، دومین گروه مسلح بزرگ غزه هماهنگ بود که مانند حماس، در بریتانیا و کشورهای دیگر سازمانی «تروریستی» شناخته می‌شود.

حماس در درگیری‌های قبلی با اسرائیل، در کنار گروه‌های دیگری هم جنگیده بود، اما مانور سال ۲۰۲۰ به‌طور مشخص به‌عنوان یک اقدام تبلیغاتی برگزار شد تا نشان دهد طیف گسترده‌تری از گروه‌های مسلح در حال متحد شدن هستند.

رهبر حماس گفت که مانور اول «آمادگی دائمی» گروه‌های مسلح را به نمایش گذاشت. رزمایش سال ۲۰۲۰ اولین مانور مشترک از چهار مانوری بود که در طی سه سال انجام شد و ویدیوهایی از تکتک آن‌ها با تدوین حرفه‌ای در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و در دسترس عموم قرار گرفت.

در ویدیویی که در پیام‌رسان تلگرام منتشر شده، بی‌بی‌سی اعضای ده گروه فلسطینی، از جمله جهاد اسلامی را با سربندها و نشان‌های متمایزشان شناسایی کرده که در جریان مانور «ستون استوار» در کنار حماس در حال آموزش نظامی هستند.

بعد از حملات ۷ اکتوبر، پنج گروه مسلح از میان همین گروه‌ها با انتشار ویدیوهایی مدعی شدند که در حمله به جنوب اسرائیل شرکت داشته‌اند. سه گروه دیگر هم در بیانیه‌های کتبی در تلگرام مدعی حضور در این حملات شدند.

علاوه بر حماس سه گروه دیگر -جهاد اسلامی، گردان‌های مجاهدین و گردان‌های ناصر صلاح‌الدین- مدعی شده‌اند که در آن روز اسرائیلی‌ها را گروگان گرفته‌اند.

تصاویر ویدیویی اولین مانور، فرماندهان نقاب‌پوش را نشان می‌داد که به‌نظر می‌رسد از داخل یک سنگر در حال رهبری رزمایش هستند که با آتش‌بار راکتی شروع می‌شود.

بعد از آن تصویر جنگ‌جویان به شدت مسلحی را می‌بینیم که با حمله به یک تانک ساختگی با پرچم اسرائیل، یکی از سرنشینان آن را می‌گیرند و به‌عنوان اسیر جنگی با خود می‌کشند و می‌برند. در بخشی از این مانور به ساختمان‌ها هم حمله می‌شود.

در بیانیه دیگری از حماس گفته شد که «مانورهای مشترک نظامی» با هدف «شبیه‌سازی آزاد کردن شهرک‌های نزدیک غزه» طراحی شده است.

این مانور روز ۲۸ دسامبر سال ۲۰۲۲ هم تکرار شد و تصاویر تبلیغاتی آن پخش شد که در آن جنگجویان ساختمان‌ها را تخلیه می‌کردند و تانک‌ها را در جایی که به‌نظر می‌آمد ماکت یک پایگاه نظامی است، در اختیار می‌گرفتند.

ارتش اسرائیل پیش از این برای ایجاد اختلال در فعالیت‌های آموزشی حماس و توقف آن‌ها دست به حملات هوایی زده است. در ماه آوریل ۲۰۲۳ اسرائیل محلی را که مانور اول ستون استوار در آن اجرا شده بود، بمباران کرد.

بنا بر گزارش‌ها چند هفته قبل از حمله ۷ اکتوبر، سربازان زنی که مسئولیت دیدبانی در مرز غزه را بر عهده داشتند، درباره فعالیت بیش از حد پهپادها هشدار داده بودند و این که حماس در حال آموزش برای در اختیار گرفتن کنترل برج‌های دیدبانی با تمرین روی ماکت‌های آنهاست.

اما، به گزارش رسانه‌های اسرائیلی، این هشدارها نادیده گرفته شد.

سرتیپ امیر آویوی، معاونت سابق فرماندهی ارتش اسرائیل در غزه به بی‌بی‌سی گفت: «اطلاعات زیادی از این تمرین‌ها در دست بود. ویدیوها هم که به صورت عمومی منتشر شده بود، و همه این‌ها تنها در چند صد متری حصارها رخ می‌داد.»

اما او گفت با وجود آن که ارتش اسرائیل از برگزاری این مانورها خبر داشت اما «نمی‌دانست آن‌ها برای چه کاری آموزش می‌بینند.»

ارتش اسرائیل گفت که روز ۱۷ اکتوبر ایمن نوفل را «از بین برده است.» او اولین فرمانده ارشد نظامی حماس بود که در جنگ غزه کشته شد.

در مانور سال ۲۰۲۲ جنگجویان حمله به ماکت یک پایگاه نظامی را تمرین کردند که تنها ۲/۶ کیلومتر آن طرفتر از «گذرگاه ارز» ساخته شده بود؛ مسیری بین غزه و اسرائیل که ارتش اسرائیل آن را کنترل می‌کند.

بی‌بی‌سی وریفای مکان انجام این تمرین نظامی را در شمال غزه شناسایی کرده که تنها ۸۰۰ متر با حصارها فاصله دارد. این کار با تطبیق ویژگی‌های جغرافیایی مکانی که در ویدیوی تمرین نظامی دیده می‌شود، با تصاویر هوایی منطقه انجام شده است. تا ماه نوامبر سال ۲۰۲۳ این مکان همچنان در نقشه‌های سایت بینگ قابل رویت بود.

این اردوگاه آموزشی در حدود ۱/۶ کیلومتری یک برج و همین‌طور یک جایگاه مرتفع دیدبانی قرار داشت که اسرائیل برای تأمین امنیت حصارهای مرزی، صدها میلیون دلار خرج ساخت آنها کرده بود.

پایگاه ماکتی با حفر چند متری زمین ایجاد شده بود و به همین دلیل ممکن است بلافاصله در دیدرس گشتی‌های اسرائیلی قرار نگرفته باشد، اما دودی که از انفجارها به آسمان برمی‌خاست مطمئناً قابل رویت بود، و این را می‌دانیم که ارتش اسرائیل از تجهیزات رصد هوایی استفاده می‌کند.

حماس از این مکان برای تمرین یورش به ساختمان‌ها، گروگان‌گیری مسلحانه و تخریب حصارهای مرزی استفاده می‌کرد.

بی‌بی‌سی وریفای از اطلاعات در دسترس عموم -از جمله تصاویر ماهواره‌ای- برای شناسایی مکان ۱۴ اردوگاه آموزشی در ۹ منطقه مختلف غزه استفاده کرده است.

این نیروها دو بار در مکانی که کمتر از ۱/۶ کیلومتر با مرکز توزیع کمک‌های نهاد امداد سازمان ملل متحد فاصله دارد، تمرین کرده‌اند. این مکان در پس‌زمینه ویدیوهایی که این آژانس در ماه دسامبر ۲۰۲۲ منتشر کرده قابل رویت است.

تصاویری که کانال تلگرامی «اتاق کمیته مشترک» در روز ده سپتامبر ۲۰۲۳ منتشر کرد، مردانی را دراونیفورم‌های نظامی نشان می‌داد که در حال رصد و شناسایی تاسیسات نظامی در امتداد حصارهای مرز غزه بودند.

دو روز بعد از آن مانور چهارم ستون استوار برگزار شد، و تا ۷ اکتوبر تمام تاکتیک‌هایی که در حمله بی‌سابقه به اسرائیل به کار رفت، تمرین شد.

فیلم جنگجویانی در آمد که سوار همان نوع وانت‌های تویوتای سفیدی بودند که چند هفته بعد در حمله به جنوب اسرائیل از آن استفاده شد.

یک ویدیوی تبلیغاتی مردان مسلحی را نشان می‌داد که به ماکت ساختمان‌ها یورش می‌بردند و به اهدافی در داخل آن‌ها شلیک می‌کردند. همچنین تمرین برای حمله به یک ساحل با استفاده از یک قایق و غواصان هم در این ویدیو دیده می‌شد. اسرائیل گفته است که از پهلو گرفتن قایق‌های حماس در سواحلش در جریان حملات ۷ اکتوبر جلوگیری کرده است.

با وجود این حماس آموزش چتربازان و موتورسواران را در ویدیوهای مانور ستون استوار علنی نکرده بود.

یک ویدیو از تمرین‌های آموزشی که حماس سه روز بعد از حملات ۷ اکتوبر منتشر کرد، نشان می‌داد که حصارهای مرزی را خراب می‌کنند تا موتورسواران بتوانند از آن‌ها عبور کنند؛ تاکتیکی که برای حمله به کیبوتص‌های جنوب اسرائیل از آن استفاده شد. ما ویدیوی مشابهی ندیدیم که قبل از حملات ۷ اکتوبر منتشر شده باشد.

تصاویر پیکار جویانی که از تجهیزات پاراگلایدری استفاده می‌کنند هم قبل از روز حمله منتشر نشده بود.

در ویدیویی که روز ۷ اکتوبر از تمرین‌های آموزشی نیروها منتشر شد، مردان مسلحی دیده می‌شدند که روی ماکت کیبوتص‌های اسرائیلی فرود می‌آمدند. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که محل تمرین، جایی در شمال رفح واقع در جنوب نوار غزه بوده است.

بی‌بی‌سی و ری‌فای به این نتیجه رسیده است که این ویدیو قبل از ۲۵ اوت سال ۲۰۲۲ ضبط شده و در فایلی با نام «اسکادران عقاب» -نامی که حماس برای بخش عملیات هوایی خود به کار می‌برد- در یک کامپیوتر ذخیره شده است. زمان ضبط این ویدیو نشان می‌دهد که برنامه حمله با پاراگلایدر از بیش از یک سال پیش در حال طراحی بوده است. قبل از ۷ اکتوبر، بر اساس گزارش‌هایی به نقل از فرماندهان ارتش اسرائیل، تصور می‌شد که حماس حدود ۳۰ هزار پیکارجو در نوار غزه دارد.

همچنین این برداشت وجود داشت که حماس توانایی بسیج کردن هزاران جنگجو را از گروه‌های کوچکتر هم دارد. حماس، حتی بدون حمایت گروه‌های دیگر، با فاصله زیاد قدرتمندترین گروه مسلح فلسطینی است. این نشان می‌دهد که تمایل این گروه به برانگیختن گروه‌های دیگر با انگیزه جلب حمایت گسترده و همه‌جانبه در داخل غزه انجام شده تا دست‌کم به اندازه نفرات خودش، نیرو برای حمله جمع کند.

ارتش اسرائیل پیش از این برآورد کرده بود که ۱۵۰۰ جنگجو در حملات ۷ اکتوبر شرکت داشته‌اند. سایت تایمز اسرائیل اوایل ماه نوامبر گزارش داد که ارتش بعداً به این نتیجه رسیده که حدود سه هزار نفر در این حملات شرکت داشته‌اند.

تعداد واقعی هر چه باشد، به این معناست که تنها بخش نسبتاً کوچکی از تعداد کل نفرات مسلح نوار غزه در حملات شرکت داشته‌اند. برآورد تعداد دقیق نیروهایی که از گروه‌های کوچکتر در حمله ۷ اکتوبر یا مانورهای نظامی ستون استوار شرکت داشته‌اند، امکان‌پذیر نیست.

هشام جابر، سر‌تیپ سابق ارتش لبنان، که اکنون تحلیل‌گر امور امنیتی در مرکز تحقیقات و مطالعات خاورمیانه است، می‌گوید در زمانی که حماس در حال جلب حمایت بین‌گروهی برای انجام حمله بوده، تنها خود حماس از نقشه نهایی مطلع بوده و این احتمال وجود دارد که «در روز حمله از گروه‌های دیگر خواسته که به عملیات ملحق شوند.»



آندرناس کریگ، مدرس ارشد مطالعات امنیتی در کینگز کالج لندن به بی‌بی‌سی گفت: «با وجود آن‌که طراحی حمله به صورت متمرکز صورت گرفته، اجرای آن غیرمتمرکز بوده و هر گروهی نقشه را طوری اجرا کرده که با توانایی‌هایش سازگار بوده است.»

او می‌گوید آدم‌هایی در داخل حماس گفته‌اند که از میزان آسیب‌پذیر بودن سیستم دفاعی اسرائیل تعجب کرده‌اند، و خود بر این باور است که شبه‌نظامیان برای عبور از تجهیزات مدرن دیدبانی اسرائیل، احتمالاً تمام وسایل ارتباطی خود را غیرفعال کرده‌اند.

هیو لووات، تحلیل‌گر امور خاورمیانه در شورای روابط خارجی اروپا می‌گوید اسرائیل از مانورهای آموزشی مشترک خبر داشته اما از آن‌ها «نتیجه‌گیری اشتباهی کرده» و ارزیابی‌اش این بوده که در مجموع همان فعالیت‌های «متعارف» گروه‌های شبه‌نظامی در مناطق فلسطینی است، نه «نشان‌دهنده آمادگی برای یک حمله تمام‌عیار.»

از ارتش اسرائیل درباره مسائلی که در این مقاله مطرح شده سؤال کردیم و پاسخ آن‌ها این بود که «در حال حاضر روی از بین بردن تهدید سازمان تروریستی حماس» متمرکز هستند و سوالات درباره ناکامی‌های بالقوه «در مراحل بعدی مورد توجه قرار خواهد گرفت.»

احتمالاً سال‌ها طول خواهد کشید تا اسرائیل رسماً به این سؤال پاسخ دهد که آیا فرصت‌های پیش‌گیری از کشتار ۷ اکتوبر را از دست داده یا نه.

پیامدهای پاسخ این سؤال می‌تواند برای نهادهای اطلاعاتی و نظامی، و همین‌طور دولت اسرائیل تکان‌دهنده باشد.

پل براون، کومار مالهورترا و عبدالرحیم سعید در تهیه این گزارش همکاری داشته‌اند.



### **گاردین افشا کرد: حمله حماس به اسرائیل چگونه شکل گرفت و اجرا شد؟**

عملیات طوفان الاقصی، بلندپروازانه‌ترین عملیاتی بود که حماس در طول کنترل غزه از سال ۲۰۰۷ اجرا کرده بود؛ عملیاتی که تا لحظه اجرا مخفی بود.

طرح حمله به اسرائیل توسط تعداد انگشت شماری از رهبران حماس طراحی شده بود. نکته مهم این است که این طرح برای افرادی که آن را اجرا می‌کردند تا صبح روز حمله ناشناخته بود.

گاردین در گزارشی درباره جزئیات حمله حماس به اسرائیل نوشت: صبح روز حمله هنگامی که آسمان غزه شروع به روشن شدن کرد و افراد پراکنده می‌شدند، دستورالعمل‌هایی صادر شد. دستورالعمل‌های ساده که عمدتاً شفاهی مطرح می‌شدند. مانند این‌که «سلاح‌ها و مهماتی را که دارید بیاورید و در مکان‌های مشخصی جمع شوید.» اما هنوز به کسی گفته نشده بود که قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

عملیات طوفان الاقصی، بلندپروازانهترین عملیاتی بود که حماس در طول دوران کنترل غزه از سال ۲۰۰۷ اجرا کرده بود؛ عملیاتی که تا لحظه اجرا مخفی بود.

این طرح توسط تعداد انگشت‌شماری از رهبران کهنه کار و سرسخت حماس تدوین شده بود و حتی برای افرادی که آن را اجرا می‌کردند نیز معلوم نبود. همچنان‌که این طرح برای ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل نیز آشنا نبود.

تصمیم برای ابلاغ شفاهی دستورالعمل‌ها به هزاران شبه‌نظامی حماس که در میان ۳/۲ میلیون نفر جمعیت غزه پراکنده شده‌اند، آخرین تصمیم از مجموعه اقداماتی بود که برای فریب یکی از قوی‌ترین سیستم‌های نظارتی در جهان صورت گرفت. دستورات به صورت آبشاری پخش می‌شدند. ابتدا به فرماندهان «گردان‌های» صد نفری یا بیش‌تر، سپس به رهبران جوخه (گروه‌های ۲۰ یا ۳۰ نفری) و سپس به دوستان، همسایگان و بستگانی که در تمرینات ۲ بار در هفته در ده‌ها نقطه در غزه شرکت می‌کردند.

در نهایت در زمانی‌که افراد جمع شده بودند مهمات اضافی و تسلیحات قوی‌تری توزیع شد. بسیاری از این افراد در ماه‌های گذشته چنین سلاح‌هایی را به کار گرفته بودند و پس از هر درس آن‌ها را به زرادخانه‌های حماس بازگردانده بودند.

ساعت ۶ صبح بود که آفتاب طلوع کرد و دستورات نهائی صادر شد. در این مرحله این افراد باید با عجله از شکاف‌هایی که در اثر انفجار در حصارهای اطراف غزه ایجاد شده بودند به‌سوی اسرائیل حمله می‌کردند. گزارش‌گاردین از لحظات اولیه حملات ۷ اکتوبر در اسرائیل از منابع متعددی تهیه شده است. از جمله مقامات اطلاعاتی اسرائیل، کارشناسان، منابعی با آگاهی مستقیم از گزارش‌های بازجویی از اعضای حماس که در جریان این حملات دستگیر شده‌اند.

یکی از موارد قابل توجه درباره این حمله این است که افراد بسیار زیادی موفق شدند از حصار عبور کنند. برخی منابع می‌گویند که ۳۰۰۰ نفر از جمله اعضای جهاد اسلامی فلسطین از این حصار گذشته بودند. این افراد یک جناح متحد اما مستقلی را تشکیل می‌دادند که قبل از حملات به آن‌ها اطلاع داده نشده بود، اما به آن پیوستند.

اسرائیل معتقد است طراحان اصلی حمله دو نفر بوده‌اند: یحیی سنوار، رئیس کل حماس در منطقه محصور، و محمد ضیف، فرمانده ارتش حماس.

به‌نظر می‌رسد که در جریان حمله چهار هدف مد نظر بوده است، یک پایگاه نظامی، کیبوتز، جاده یا یک شهر. منابع ادعا می‌کنند که غالباً دستورات رهبران با نقشه‌هایی همراه بوده که حاوی جزئیات درباره مکان‌های کلیدی در اهداف بوده است.

این اطلاعات از هوادارانی که در اسرائیل کار می‌کردند، به دست آمده بود. تصور می‌شود که حمله به جشنواره موسیقی که در آن ۲۶۰ نفر جان باختند، جزو اهداف اولیه نبوده است.

سه وظیفه به واحدهای مختلف داده شد. به گروه اول دستور داده شد تا پایگاه‌های نظامی بدون نیرو و غیرآماده اسرائیل را در اطراف غزه تحت کنترل درآورند یا به خانه‌ها حمله کنند. به برخی یگان‌ها دستور داده شد که با کمین در جاده‌های کلیدی از مواضع خود در برابر نیروهای نظامی اسرائیل دفاع کنند.

منابع گفته‌اند که این یک ماموریت انتحاری نبود، زیرا مرگ مهاجمان جز لاینفک عملیات نبود. مجموعه سومی هم وجود داشت که به دنبال دستگیری گروگان‌ها و آوردن آن‌ها به شکاف‌های حصار بود. جایی که گروه‌های دیگر منتظر بودند تا گروگان‌ها را به داخل مجموعه تونل وسیع زیر غزه ببرند. همان‌جایی که به‌نظر می‌رسد که اکنون گروگان‌ها در آن‌جا نگهداری می‌شوند.

مقامات امنیتی اسرائیل، بر این عقیده‌اند که جزئیات عملیات به رهبری سیاسی حماس در خارج از کشور و همچنین حامیان مالی حماس گفته نشده است. هرچند که احتمالاً حامیان می‌دانستند که حمله‌ای در حال برنامه‌ریزی است. یک منبع نزدیک به حماس ماه گذشته به رویترز گفت: «این یک حلقه بسیار فشرده بود. مقامات حماس گفته‌اند که برنامه‌ریزی برای این حمله ۲ سال پیش و پس از یورش پولیس اسرائیل به مسجد الاقصی آغاز شد.»

«با این حال برخی منابع اسرائیلی می‌گویند که این حمله در بازه زمانی کوتاه‌تری برنامه‌ریزی شده است - شاید یک سال یا ۱۸ ماه - و در این مدت تلاش‌هایی برای تقویت این باور در اسرائیلی‌ها ایجاد شده بود مبنی بر این‌که حماس تمرکز خود را از حمله علیه اسرائیل به توسعه اقتصادی در غزه تغییر داده است.»

آن‌گونه که گاردین گزارش داده است، هنوز نقش دقیق رهبران مختلف حماس در این حمله مشخص نشده است. اما واضح است که سینوار و ضیف در برنامه‌ریزی آن نقش اساسی داشتند. ضیف به‌معنای «مهمان» است. نام او اشاره به جابه‌جایی دائمی این مرد ۵۸ ساله دارد. جابه‌جایی برای جلوگیری از شناسایی توسط اسرائیل.

او دانشجوی سابق علوم که از اوایل دهه ۲۰ زندگی خود عضو حماس شد. ضیف بر بمب‌گذاری‌های انتحاری علیه اسرائیلی‌ها در اوایل دهه ۱۹۹۰ تا یک دهه بعد نظارت داشت. به‌نظر می‌رسد که ضیف ممکن است در یکی از تلاش‌های اسرائیل برای ترور فلج شده باشد. در حالی‌که همسر و خانواده‌اش هم در یک حمله هوایی در سال ۲۰۱۴ کشته شده‌اند.

دومین نفر سینوار نام دارد. مردی ۶۱ ساله که یکی از اعضای مؤسس حماس است. او ۲۳ سال را در زندان‌های اسرائیل گذراند تا در سال ۲۰۱۱ آزاد شد.

بازجوی سینوار گفته است: «او هزار درصد متعهد و هزار درصد خشن است.» سینوار پس از آزادی گفته است که تجربه‌اش به او آموخته که اسیر کردن سربازان اسرائیلی تنها راه آزادی زندانیان است.

بر مبنای آنچه تحلیل‌گران گفته‌اند اهداف دیگر حملات ۷ اکتوبر حماس احتمالاً شامل توقف تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی، تضعیف بیشتر تشکیلات خودگردان فلسطین، انحراف از ناکامی حماس در ارائه خدمات یا شکستن محاصره غزه، و برانگیختن واکنش خشونت‌آمیز اسرائیل است.

این اتفاق حامیان حماس را در غزه، کرانه باختری و جاهای دیگر بسیج خواهد کرد. پنج روز پس از این حمله، یکی از رهبران حماس ادعا کرد که این حمله پیش‌گیرانه بوده است.

حمله‌ای که پس از اطلاع این سازمان از خبر حمله پیش روی نیروهای اسرائیلی به غزه تدارک دیده شده است. به گفته او اخبار حاکی از آن بود که نیروهای اسرائیلی در حال تدارک یک حمله بزرگ به غزه پس از تعطیلات سوکوت یهودیان بوده‌اند.

مقامات اسرائیلی، همچنین گفته‌اند که واکنش آهسته نیروهای اسرائیلی به برخی از واحدها این امکان را فراهم کرد که حرکت‌های متعددی از غزه به اسرائیل انجام دهند تا گروگان‌های بیش‌تری را بازگردانند. به گفته منابع اسرائیلی و همین‌طور حماس، بعد از شکستن حصار برخی از غیرنظامیانی که وارد اسرائیل شده‌اند نیز اسیر شده‌اند که تلاش‌ها و مذاکرات کنونی نجات را پیچیده‌تر می‌کند.

دیوار آهنین، دیوار امنیتی ۶۴ کیلومتری که غزه را از اسرائیل جدا می‌کند، در سال ۲۰۲۱ با هزینه ۱/۱ میلیارد دلار تکمیل شد. این دیوار شامل یک حصار مجهز به سنسور به ارتفاع ۶۰۹ سانتی‌متر، صدها دوربین و شلیک مسلسل خودکار در هنگام خاموش شدن سنسورها است. اما دیوار در برابر حمله غافل‌گیرانه حماس موثر نبود. حماس توانست در نقاط متعددی در اطراف غزه از دیوار عبور کند و بدون مقاومت اولیه به حملات خود ادامه دهد. سیستم مراقبت

مرزی اسرائیل تقریباً به طور کامل متکی به دوربین‌ها، حسگرها و مسلسل‌هائی است که از راه دور کار می‌کنند. فرماندهان اسرائیلی بیش از حد به تسخیرناپذیری این سیستم اطمینان پیدا کرده بودند. آن‌ها فکر می‌کردند که ترکیبی از نظارت و تسلیحات از راه دور، موانع زمینی مرتفع و دیوار زیرزمینی برای جلوگیری از حفر تونل‌های حماس به داخل اسرائیل، نفوذ دسته‌جمعی را بعید می‌کند و نیاز به استقرار تعداد قابل توجهی از سربازان را در طول خط مرزی کاهش می‌دهد. با ایجاد این سیستم، ارتش شروع به کاهش تعداد نیروها در آنجا کرد و آن‌ها را به مناطق مورد نگرانی دیگر از جمله کرانه باختری منتقل کرد. شکستن این مانع آسان‌تر از آنچه مقامات اسرائیلی انتظار داشتند، بود.

به همین ترتیب، اسرائیل گنبد آهنین خود را نیز که یک سیستم دفاع هوایی است، ساخت تا از اسرائیلی‌ها در برابر حملات راکتی غزه محافظت کند. این گنبد که در سال ۲۰۱۱ تکمیل شد، ۱٫۵ میلیارد دلار برای دولت‌های ایالات متحده و اسرائیل هزینه داشت. قبل از حمله غافلگیرانه حماس، این سیستم دفاعی بین ۹۰ تا ۹۷ درصد موفقیت داشت. گنبد آهنین زمانی که پیکار جویان راکت‌های نسبتاً کمی پرتاب کردند به خوبی کار کرد، اما در برابر حمله ۷ اکتوبر حماس کمتر موثر بود. زمانی که حماس تنها در ۲۰ دقیقه ۳۰۰۰ راکت به سمت اسرائیل پرتاب کرد، سیستم تا حد معناداری قادر به پاسخ‌گویی نبود. بر اساس تجزیه و تحلیل موسسه جنگ مدرن، این مقدار برای عدم عملکرد مطلوب گنبد آهنین زیاد بود.

قبل از حمله حماس به اسرائیل در سحرگاه روز شنبه، اطلاعات اسرائیل افزایش فعالیت‌ها را در برخی از شبکه‌های شبه‌نظامی غزه که زیر نظر دارد، شناسایی کرد. به گفته دو مقام ارشد امنیتی اسرائیل، ماموران متوجه شدند که اتفاقی غیرعادی در حال رخ دادن است و به سربازان اسرائیلی که از مرز غزه محافظت می‌کردند، هشدار ارسال کردند. اما به این هشدار واقعی داده نشد، چه به این دلیل که سربازان آن را دریافت نکردند و چه به این سبب که سربازان آن را نخواندند.

اندکی پس از آن، حماس، هواپیماهای بدون سرنشین فرستاد تا برخی از ایستگاه‌های ارتباط سلولی ارتش اسرائیل و برج‌های نظارتی در امتداد مرز را از کار بیاندازند و از نظارت افسران با قابلیت دوربین‌های ویدئویی جلوگیری کنند. پهبادهای هم‌چنین مسلسل‌های کنترل از راه دور را که اسرائیل در استحکامات مرزی خود نصب کرده بود، منهدم کردند و ابزار کلیدی برای مبارزه با حمله زمینی را از بین بردند. این امر نزدیک شدن و منفجر کردن بخش‌هایی از حصار مرزی را برای مهاجمان حماس آسان‌تر کرد و باعث شد که مهاجمان با سهولت در چندین مکان از میان شکاف‌ها عبور کنند. نفوذ به بیش از ۲۰ شهرک و پایگاه ارتش اسرائیل در آن حمله، بدترین نقض دفاعی اسرائیل در ۵۰ سال گذشته بود و احساس امنیت این دولت را دچار چالش جدی کرد. برای ساعت‌ها، یکی از قوی‌ترین ارتش‌های خاورمیانه برای مقابله با نیروهای متخاصم، ضعیف و ناتوان شد و روستاها را در بیشتر روز بی‌دفاع باقی گذاشت و نیز پیکارجویان در بیش از ۷۰ کیلومتر مربع از خاک دولت یهود گسترش یافتند.

سئوالی که اسرائیل با آن مواجه است این است که آیا این فاجعه اطلاعاتی در درجه اول ناتوانی در اخطار بود یا عدم اقدام. مأموریت شماره یک سازمان‌های اطلاعاتی جلوگیری از غافل‌گیری استراتژیک است. اما برای موفقیت اطلاعاتی، هشدارها و جمع‌آوری اطلاعات کافی نیست که زنگ خطر را به صدا درآورند و در نهایت سیاست‌گذاران نیز باید اقدام کنند. اتفاقاتی که در کشور خود یک آژانس اطلاعاتی می‌افتد می‌تواند ادراکات و رفتار دشمن را نیز تغییر دهد. سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل ممکن است نمی‌دانستند که بحران سیاسی بی‌سابقه داخلی توسط دشمنانش، از جمله حماس، درک شده است و این بحران ممکن است به موفقیت حمله حماس نیز کمک کرده باشد. بدین لحاظ، این آشفتگی

داخلی قدرت بازدارندگی اسرائیل را نه تنها از طریق تاثیرگذاری بر ادراکات دشمن، بلکه با فرسایش توانائی‌های اطلاعاتی و آمادگی نظامی اسرائیل تضعیف کرده است.

باز هم مهم‌ترین سؤال این است در حالی که اسرائیل می‌توان اسماعیل هنیه رهبر حماس را در تهران و در یک منطقه کاملا امنیتی و حفاظتی بور کند؛ یا دقیقا محل جلسه نصرالله و رهبران حماس را شناسائی و بمباران کند و آن‌ها را از بین ببرد؛ هنگامی که می‌تواند ۵ هزار پیچر کادر حزب‌الله لبنان را هم‌زمان منفجر کند و... پس چگونه نتوانست ورود ۳۰۰۰ شبه‌نظامی حماس به داخل مرزهای اسرائیل را تشخیص دهد و جلوگیری نماید؟!

### یک‌سال بعد از هفتم اکتوبر، آیا حماس نابود شده است؟

حدود یک سال بعد از حمله سازمان اسلامی حماس به اسرائیل، جنگ در نوار غزه هنوز به پایان نرسیده و حتی دامنه آن به کل منطقه نیز کشیده شده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، روز هشتم اکتوبر حملات این کشور به نوار غزه را با هدف نابودی حماس آغاز کرد، بسیاری از فرماندهان ارشد این گروه که در فهرست سازمان‌های تروریستی امریکا و اتحادیه اروپا قرار دارند حالا کشته شده‌اند و ضربات جبران‌ناپذیری هم به توان نظامی و حکمرانی حماس وارد آمده است.

اما آیا نتانیاهو توانسته است به هدف اعلامی خود در این زمینه دست یابد و این گروه فلسطینی را نابود کند؟ مناخیم کلاین، استاد علوم سیاسی در دانشگاه اورشلیم، در این خصوص به رادیو فردا می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم که اسرائیل به هدف اعلام‌شده خود یعنی نابودی کامل حماس دست پیدا کرده باشد. اسرائیل تنها توانست بخشی از آن را محقق کند و آن این‌که حماس دیگر نمی‌تواند بر نوار غزه حکمرانی نماید. این گروه همچنین واحدهای ارتش نیمه منظم و فرماندهی مرکزی خود را از دست داد و به جای آن تصمیم گرفت نیروهایش را به جنگجویان چریکی تبدیل کند. مبارزان چریکی مشکلات و تلفات زیادی برای اسرائیل ایجاد می‌کنند.»

با این حال، ضربات وارد شده به حماس هم بسیار قابل توجه است و دست‌کم در میان‌مدت دیگر به این گروه امکان انجام حملاتی مشابه هفتم اکتوبر را نخواهد داد.

مری آيسن، فرمانده پیشین ارتش اسرائیل، در این خصوص به رادیو فردا می‌گوید: «من می‌توانم بگویم که اسرائیل در طول یک سال گذشته توانسته توانائی‌های حماس را به شدت تنزل دهد. درست است که این گروه هنوز هم قابلیت‌هایی دارد اما آن‌ها دیگر نمی‌توانند یک حمله بزرگ یا هماهنگ را انجام دهند. البته هنوز می‌توانند تک راکتی شلیک کنند یا از مهمات دیگری برای ضرب‌زدن به اسرائیل استفاده نمایند اما دیگر نمی‌توانند دوباره یک نسل‌کشی مثل هفتم اکتوبر را اجرا کنند.»

بعد از گذشت حدود یک سال هنوز گروگان‌های اسرائیلی در حبس نیروهای حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی هستند و کسی هم نمی‌داند حتی چه تعداد از آن‌ها بعد از یک سال زنده مانده‌اند. موضوعی که اختلافات زیادی را در داخل اسرائیل ایجاد کرده و به ویژه خانواده‌های گروگان‌ها در تظاهرات‌های خود خواستار برقراری آتش‌بس در غزه و آزادی این افراد هستند.

مناخیم کلاین با اشاره به این‌که جامعه اسرائیل در این خصوص دو قطبی شده است، می‌گوید: «پیش از تسری جنگ به لبنان، نهادهای امنیتی به دولت پیشنهاد می‌دادند که به سمت توافق آتش‌بس برود تا گروگان‌ها آزاد شوند اما کابینه نتانیاهو آن‌را رد می‌کرد و مسئله آزادی گروگان‌ها را اولویت دوم و یا سوم خود قرار داده بود. پیش‌تر ارتش هم مانند

نتانیاهو نظرش این بود که فقط فشار نظامی به حماس می‌تواند به آزادی گروگان‌ها بینجامد اما خیلی دیر نظرش تغییر کرد. متأسفانه باید گفت تا زمانی که جنگ ادامه داشته باشد ما تعداد بیشتری از گروگان‌ها را از دست می‌دهیم.»

اما نگاه همه در اسرائیل یکسان نیست و برخی معتقدند نباید به حماس امتیاز داد چرا که چنین رویکردی باعث می‌شود این گروه به سمت باج‌گیری و امتیازگیری از طریق گروگانگیری برود. خانم آپسن معتقد است نباید به هر قیمتی به دنبال آزادی گروگان‌ها بود و موجودیت اسرائیل از هر چیزی مهم‌تر است. او به رادیو فردا می‌گوید: «گروگان‌ها اعضای خانواده تک‌تک ما هستند. این افراد گروگان‌های یک اقدام تروریستی‌اند و هیچ پرسشی در مورد گروگان گرفتن این افراد که بعد از حمله وحشیانه حماس دزدیده شدند وجود ندارد. بحث در مورد قیمتی است که ما برای آزادی آن‌ها می‌خواهیم بپردازیم.»

این نیروی پیشین اطلاعاتی اسرائیل با اشاره به این‌که فضا در اسرائیل در این زمینه دو قطبی شده، می‌افزاید: «برخی معتقدند هر چیزی که لازم است باید بدهیم تا آن‌ها آزاد شوند اما من پاسخ روشنی برای آن ندارم، من فردی امنیتی هستم. من می‌خواهم این افراد به خانه برگردند اما حاضر نیستم از موجودیت کشورم چشم‌پوشی کنم که این گروگان‌ها به خانه برگردند زیرا این کار اثر عکس خواهد داشت. این جواب من سرد و خشن است اما واقعیت این است که پاسخ آسانی برای این پرسش وجود ندارد.»

### آینده غزه

یکی دیگر از از پرسش‌هایی که از همان ابتدای جنگ در نوار غزه بسیار مطرح می‌شد، فردای این باریکه پس از پایان جنگ و برقراری آتش‌بس است. اسرائیل از روز نخست تاکید کرده بود که حماس هیچ نقشی در آینده غزه نخواهد داشت با این حال مقام‌های این کشور از تصویر روشنی برای اداره این باریکه نیز سخن نمی‌گفتند. موضوعی که تردیدها در خصوص آینده غزه را بیشتر می‌کند.

کلاین در این رابطه می‌گوید: «حماس در مورد این‌که چه کسی در فردای جنگ بر نوار غزه حکومت خواهد کرد از حق و تو بر خوردار است. هیچ قدرت خارجی اعم از مصر، قطر، امارات و نهادهای سازمان ملل نمی‌توانند بدون توافق کامل با حماس تخریب‌های صورت گرفته توسط اسرائیل در نوار غزه را بازسازی کنند.»

او با اشاره به این‌که اسرائیل از ابتدا هم طرح مشخصی برای پایان جنگ نداشت می‌افزاید: «می‌توان گفت که بین تشکیلات امنیتی و دولت اسرائیل سه گزینه در این خصوص وجود دارد. نخست آن‌که اسرائیل به همراه یکی از نهادهای بین‌المللی و امارات و قطر به صورت مشترک امور مدنی غزه را در اختیار بگیرند و اسرائیل امور امنیتی را کنترل کند. گزینه دوم این است که اسرائیل به صورت یک دولت نظامی در آن‌جا باقی بماند. گزینه سوم این است که اسرائیل عوامل محلی همدست خود را بیابد و امور مدنی را به آن‌ها واگذار کند و امور نظامی و امنیتی در کنترل خودش باقی بماند. با این حال حق و توی حماس بر سر جای خود باقی‌ست.»

این استاد علوم سیاسی با اشاره به این‌که بحث‌هایی هم در خصوص قدرت‌گیری جریان فتح و تشکیلات خودگردان فلسطینی در نوار غزه مطرح می‌شود می‌افزاید: «ارتش ترجیح می‌دهد جریان فتح وارد نوار غزه شوند و با نظارت امنیتی اسرائیل بر این باریکه حکومت کند اما نتانیاهو به شدت با آن مخالف است. در نتیجه می‌توان گفت هیچ نگرش واحدی در اسرائیل نسبت به فردای آتش‌بس وجود ندارد.»

اما آتش‌بس دست‌کم در شرایط فعلی چندان نزدیک به نظر نمی‌رسد، به ویژه این‌که در روزهای اخیر دامنه درگیری‌ها به لبنان هم کشیده شده و نگرانی‌های جهانی از شکل‌گیری یک درگیری تمام عیار بین ایران و اسرائیل هم شدت یافته

است. خانم آپسن معتقد است آتش‌بس هر چند در نهایت اتفاق می‌افتد اما کار در غزه به مراتب دشوارتر از لبنان خواهد بود.

او در این رابطه می‌گوید: «من نمی‌دانم طرح دولت برای پایان این درگیری‌ها چیست، بیشتر می‌دانم که نیروهای امنیتی چه می‌خواهند.

نیروهای امنیتی، ارتش و سایر دستگاه‌ها همگی زیر نظر این دولت هستند و من هم مانند برخی از آن‌ها یکی از منتقدان این دولت هستم و فکر نمی‌کنم دولت طرح روشنی برای پایان نه تنها آن‌چه در غزه می‌گذرد که در کل منطقه داشته باشد.»

این نیروی اطلاعاتی ارشد و پیشین اسرائیل در ادامه با اشاره به این‌که دولت نتانیاها قصد دارد با نادیده گرفتن کلیت فلسطین حماس را برجسته کند، می‌افزاید: «به نظر من این روش کار نمی‌کند. ما در حال حاضر نمی‌دانیم که طرح نهائی دولت برای غزه چیست هر چند در نهایت در آنجا آتش‌بس برقرار خواهد شد البته این آتش‌بس با حماس نخواهد بود. در لبنان هم در نهایت این اتفاق خواهد افتاد هر چند آنجا کمی شرایط روشن‌تر است چرا که لبنان یک کشور مستقل است.»

بعد از گذشت یک سال از حمله‌ای که ابتدا جان ۱۲۰۰ اسرائیلی را گرفت و حملات انتقامی ارتش این کشور به زندگی بیش از ۴۰ هزار فلسطینی پایان داد، هنوز چشم‌اندازی برای خاتمه این بحران که حالا دامنه‌اش گسترده‌تر از همیشه شده و زبانه‌های آتش آن ممکن است به کل منطقه سرایت کند در دست نیست.

### **جزئیاتی از انفجار پیجرها در لبنان؛ «۹ سال برنامه‌ریزی شد»**

روزنامه امریکائی واشنگتن‌پست روز شنبه ۵ اکتوبر-۱۴ مهرماه، با انتشار گزارشی، جزئیات جدیدی درباره انفجار پیجرهای نیروهای حزب‌الله ارائه کرد.

تیم تحقیقاتی این روزنامه موفق شد با شماری از سیاستمداران و دیپلمات‌های اسرائیلی، عرب‌زبان، لبنانی، امریکائی و همچنین برخی از مقامات امنیتی و نیروهای حزب‌الله که با این موضوع آشنا هستند، مصاحبه کند؛ مصاحبه‌شوندگان به شرط مخفی‌ماندن نامشان تن به این مصاحبه دادند.

نتایج تحقیق این گروه به‌طور خلاصه حاکی از آن است که «مقدمات این اقدام بسیار زودتر از آن‌چه پیش‌تر تصور می‌شد، آغاز شده بود.»

روزهای ۱۷ و ۱۸ سپتامبر انفجار تقریباً هم‌زمان پیجرهای هزاران نیرو و عضو حزب‌الله لبنان ضربه سنگینی به این گروه وارد کرد که در پی آن ۳۷ نفر کشته و بیش از ۳۰۰۰ نفر زخمی شدند. برخی از کارشناسان از این اقدام، به‌عنوان موفق‌ترین عملیات سرویس مخفی اسرائیل علیه شبه‌نظامیان ستیزه‌جو نام برده‌اند.

به گزارش واشنگتن‌پست ایده استفاده از «اسب‌های تروا» به‌صورت انفجار در قالب تجهیزات فنی نیروهای حزب‌الله نخستین‌بار در سال ۲۰۱۵ مطرح شد. موساد مشاهده کرده بود که نیروهای حزب‌الله به‌طور فزاینده‌ای ارتباطات خود را از تلفن‌های همراه که به راحتی رهگیری می‌شدند، به دستگاه‌های واکی‌تاکی (بی‌سیم) که فقط در فواصل کوتاه قابل رهگیری بودند، تغییر داده است.

بدین ترتیب، تقریباً یک دهه پیش (در سال ۲۰۱۵) رادیوهای دستی و سیار توسط موساد وارد لبنان شد؛ دستگاه‌هایی مجهز به یک ماده منفجره مخفی و البته سیستمی که به اسرائیل امکان دسترسی کامل به ارتباطات حزب‌الله را می‌داد.

از این رو، اسرائیلی‌ها به مدت ۹ سال به شنود حزب‌الله راضی بودند، در حالی که این گزینه را محفوظ می‌دانستند که در یک بحران احتمالی در آینده تجهیزات واکی‌تاکی (بی‌سیم) را به بمب تبدیل کنند؛ اما پس از آن یک فرصت و محصول جدید پر زرق و برق پیش آمد: «یک پیجر کوچک مجهز به یک ماده منفجره قوی.»

بر اساس اطلاعاتی که به دست واشنگتن‌پست رسیده، ایده اصلی این اقدام عمدتاً از سال ۲۰۲۲ توسعه یافت که حزب‌الله به سمت استفاده از یک وسیله ارتباطی دیجیتالی سوق داده شود که قابل رهگیری نباشد و همچنین ارتباطات رمزگذاری‌شده را فعال کند؛ یعنی پیجرهای کوچک و بسیار سبکی که همیشه می‌توان آن‌ها را با خود حمل کرد.

به این ترتیب، بیش از یک سال قبل از حمله تروریستی گروه حماس به اسرائیل در ۷ اکتوبر سال ۲۰۲۳، موساد برای انجام این اقدام آماده بود و تولید پیجرها در اسرائیل آغاز شد.

از آنجائی که رهبران حزب‌الله نسبت به خرابکاری‌های احتمالی هوشیار بودند، پیجرها نمی‌توانستند در اسرائیل، ایالات متحده یا هر متحد دیگر اسرائیل تولید و توزیع شوند. بنابراین، حزب‌الله در سال ۲۰۲۳ شروع به دریافت پیشنهادهایی برای خرید عمده پیجرها از شرکت تایوانی آپولو کرد؛ شرکتی که هیچ پیوند قابل تشخیصی با منافع اسرائیل یا یهودیان نداشت.

به نوشته واشنگتن‌پست پائیز سال ۲۰۲۳، حزب‌الله از یک زن پیشنهادهایی را برای دریافت پیجرهای رمزگذاری‌شده با نام تجاری آپولو دریافت کرد. این زن، نماینده سابق فروش خاورمیانه برای شرکت تایوانی بود که شرکت خود را تاسیس کرده بود و مجوز فروش خطی از پیجرها با نام تجاری آپولو را داشت.

واشنگتن‌پست می‌افزاید که شرکت تایوانی و این شخص توزیع‌کننده هیچ‌کدام خبر نداشتند که پیجرها در اسرائیل و تحت نظارت موساد مونتاز شده بودند.

به این ترتیب، این زن بازاریاب با حزب‌الله وارد مذاکره شد و مزایای مدل AR924 را ستود؛ مزایایی شامل وزن سبک حدود ۸۰ گرم و در عین حال بسیار پایدار، با باتری قدرتمند که می‌تواند از طریق کابل شارژ شود. او در مذاکره با حزب‌الله گفت که این پیجرها قابل رهگیری نیستند و از امکان دریافت پیام‌های رمزگذاری‌شده برخوردارند. ابزاری که به گفته او، برای نظامیان در خط مقدم که اغلب فرصت ندارند پیجر خود را به شارژر وصل کنند، ایده‌آل است.

قیمت جذاب این پیجرها نیز حزب‌الله را به خرید آن‌ها مجاب کرد و از این رو، از فوریه ۲۰۲۴ حزب‌الله حدود ۵۰۰۰ پیجر را در میان نیروها و جنگجویان خود توزیع کرد.

به گفته مقامات، این عملیات در حقیقت «یک شاهکار مهندسی» بود چرا که اجزای بمب به قدری با دقت در پیجرها پنهان شده بود که عملاً غیرقابل شناسایی بود. مقامات اسرائیلی بر این باورند که حزب‌الله برخی از پیجرها را جدا کرده و مورد بازرسی قرار داده بود و حتی ممکن است آن‌ها را از زیر اشعه ایکس عبور داده باشد.

واشنگتن‌پست می‌نویسد که در اواخر تابستان ۲۰۲۴، رفته‌رفته این نگرانی در موساد و محافل امنیتی اسرائیل به وجود آمد که حزب‌الله احتمالاً به زودی می‌تواند مواد منفجره را در واکی‌تاکی‌ها کشف کند. در نتیجه، ماموران سرویس مخفی اسرائیل در بحث‌ها درباره اقدام‌های احتمالی علیه حزب‌الله به موضوع استفاده از واکی‌تاکی‌ها اشاره کردند.

در ۱۲ سپتامبر، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، نگرانی‌های دستگاه‌های نظامی و امنیتی کشورش را نادیده گرفت و دستور عملیات را صادر کرد. این در حالی بود که تا آن روز، اکثر مقامات دولتی اسرائیل از تله‌های انفجاری کارگذاری‌شده در پیجرها مطلع نشده بودند.

گفته می‌شود که ارتش اسرائیل نگران بود که این حمله می‌تواند به تشدید تنش در مرز شمالی اسرائیل منجر شود و جنگ جدیدی در لبنان را آغاز کند که احتمالاً ایران نیز در آن مداخله خواهد کرد. نتانیاهو به این نگرانی‌ها با استراتژی



همه یا هیچ پاسخ داد: «حمله با پیجر و واکی‌تاکی باید در سریع‌ترین زمان ممکن با حمله به ساختار فرماندهی حزب‌الله دنبال شود.»

روز ۱۷ سپتامبر تمامی نیروهای حزب‌الله مجهز به پیجر، یک پیام رمزگذاری‌شده دریافت کردند. موساد پیجرها را به گونه‌ای طراحی کرده بود که رمزگشایی تنها با فشار دادن دو دکمه به طور همزمان امکان‌پذیر می‌شد. این همان چیزی بود که باعث انفجارهای آن روز شد جایی که نیروهای حزب‌الله هر دو دست خود را روی پیجر گذاشتند. این حمله و تلفات ناشی از آن ضربه جبران‌ناپذیری به حزب‌الله و نیروهایش وارد کرد به طوری که هزاران نفر از نیروهای حزب‌الله دست‌کم به طور موقت، ناتوان شدند. تأثیر روانی این حمله بر حزب‌الله حتی از تلفات انسانی نیز به مراتب شدیدتر بود؛ نیروهای اسرائیلی در ادامه دست به حملات گسترده‌ای علیه حزب‌الله زدند و بسیاری از مراکز این گروه شبه‌نظامی را بمباران کردند. تنش بین اسرائیل و ستیزه‌جویان حزب‌الله در ادامه نیز تشدید شد؛ در یکی از مهم‌ترین تحولات در این خصوص، حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله روز ۲۷ سپتامبر در پی حمله هوایی اسرائیل به جنوب بیروت کشته شد.

به نوشته ای‌بی‌سی، اسرائیل به‌ندرت مسئولیت عملیات‌های مخفیانه یا حمله در خاک کشورهای خارجی را تأیید یا رد می‌کند. اما این کشور تاریخچه‌ای طولانی در ترورهای هدفمند مخفیانه در سراسر خاورمیانه دارد.

در سال‌های پس از جنگ استقلال در سال ۱۹۴۸، سرویس‌های مخفی اسرائیل کارزار ترور عواملی را که تهدیدی برای بقای این کشور نوپا تلقی می‌شدند آغاز کردند. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۵۶، از بمب‌های پستی برای کشتن مقام‌های نظامی مصر، سرهنگ مصطفی حافظ و سرهنگ دوم صلاح مصطفی، در مصر و اردن استفاده شد که هر دو حملات شبه‌نظامیان فلسطینی به اسرائیل را سازماندهی کرده بودند.

با شکل‌گیری هویت و سیاست اسرائیل در آزمون جنگ، شورش و تروریسم، عملیات‌های مخفیانه این کشور به‌تدریج پیچیده‌تر و خلاقانه‌تر شدند. گرچه روش‌های مستقیم کشتار، از تیراندازی گرفته تا حملات هوایی، همچنان در تاریخ ۷۶ ساله این کشور به‌صورت منظم استفاده شده‌اند.

حمله انفجار پیجرها یکی از غیرمعمول‌ترین عملیات‌های مخفی اسرائیل بود، اما اولین بار نبود که این کشور تلاش کرد وسایل روزمره را به سلاح تبدیل کند. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۷۲، بسام ابوشریف، یکی از اعضای سازمان آزادی‌بخش فلسطین و یکی از مشاوران سابق یاسر عرفات، وقتی کتابی که موساد برایش فرستاده بود در بیروت در دستانش منفجر شد، چهار انگشتش را از دست داد و از یک گوش ناشنوا و از یک چشم نابینا شد. اسرائیل هرگز مسئولیت این حمله را به‌صورت رسمی بر عهده نگرفت.

اقدام گروه شبه‌نظامی فلسطینی «سپتامبر سیاه» در کشتن ۱۱ ورزشکار اسرائیلی در المپیک ۱۹۷۲ مونیخ کارزار انتقام گسترده‌ای موسوم به «عملیات خشم خدا» به راه انداخت که ماموران موساد اشیاء معمولی را به سلاح تبدیل می‌کردند. دیوید کیمچه، معاون سابق رئیس موساد، در این مورد توضیح داد: «هدف فقط انتقام نبود، بلکه بیشتر ایجاد ترس بود. می‌خواستیم همیشه پشت سرشان را نگاه کنند و احساس کنند آن‌ها را زیر نظر داریم. بنابراین، سعی کردیم کارها را با شلیک ساده در خیابان انجام ندهیم.»

به این ترتیب بود که محمود همشیری، نماینده سازمان آزادی‌بخش فلسطین در پاریس، در دسامبر ۱۹۷۲ در اثر جراحت ناشی از انفجار مواد منفجره جاسازشده در پایه تلفن آپارتمان‌ش درگذشت.

حسین البشیر، نماینده گروه فلسطینی فتح، ماه بعد در قبرس در انفجار بمبی کشته شد که در تختش در هتل کار گذاشته بودند.

در سال‌های پس از کشته شدن همشری، مرگ از طریق دستگاه‌های ارتباطی به شیوه‌ای رایج تبدیل شد. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۹۶، یحیی عیاش، بمب‌ساز معروف حماس که به قتل ده‌ها اسرائیلی متهم بود، هنگامی که پاسخ تماسی تلفنی را داد، در اثر انفجار تلفن همراهش کشته شد.

شماری دیگر از اعضای گروه‌های فلسطینی نیز در اثر انفجار تلفن همراه و همین‌طور باجه تلفن کشته شدند. یکی از معروف‌ترین موارد ترور عماد مغنیه، رئیس عملیات بین‌المللی حزب‌الله، در سال ۲۰۰۸ در حومه دمشق بود که بمب در لاستیک پدکی خودروئی که مغنیه از کنار آن عبور می‌کرد کار گذاشته شده بود.

چند ترور در ایران نیز به سازمان اطلاعات اسرائیل نسبت داده می‌شود، از ترور دانشمندان هسته‌ای گرفته تا ترور محسن فخری‌زاده، رئیس برنامه تسلیحات هسته‌ای جمهوری اسلامی، که در بزرگراهی در خارج از تهران با مسلسلی که از راه دور کنترل می‌شد کشته شد. به این فهرست باید ترور اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس، در تهران را نیز افزود.

البته این عملیات‌ها همیشه موفق نبوده است و پیامدهایی نیز برای اسرائیل داشته است. به‌عنوان مثال، تلاش ماموران موساد برای ترزریق سم و ترور خالد مشعل، رهبر سیاسی حماس، در اردن در سال ۱۹۹۷ به تنش و فشار سیاسی جدی منجر و اسرائیل ناچار شد پادزهر را تحویل دهد.

موساد، همچنین در سال ۱۹۷۳ در جست‌وجوی علی حسن سلامه، رئیس عملیات سپتامبر سیاه، یک پیشخدمت مراکشی را به‌اشتباه به‌جای سلامه شناسائی کرد و به ضرب گلوله کشت. پنج مامور موساد به اتهام این قتل محکوم شدند و تا سال ۱۹۷۵ به اسرائیل بازنگشتند. در نهایت، اسرائیل پس از یک تلاش ناموفق دیگر، در سال ۱۹۷۹ سلامه را در بیروت با انفجار یک خودرو پارک‌شده، ترور کرد. اما علاوه بر سلامه و چهار محافظش، چهار رهگذر از جمله یک دانشجوی بریتانیایی و یک راهبه آلمانی کشته و ۱۶ نفر زخمی شدند.

### **کمک نتان یاهو به حماس، با هدف جلوگیری از برپائی کشور فلسطینی**

پس از درگیری‌های سال ۲۰۱۷ در نوار غزه میان نیروهای تشکیلات خودگردان فلسطینی و حماس که به بیرون راندن نیروهای تشکیلات از این باریکه منجر شد، تشکیلات خودگردان تصمیم گرفت پرداخت حقوق کارمندان دولتی در غزه را متوقف کند.

پس از این تحولات، در سال ۲۰۱۸، قطر پرداخت ماهانه حدود ۱۵ میلیون دلار به نوار غزه را آغاز کرد. بنا بر گزارش‌های متعدد از جمله گزارشی که اخیراً شبکه سی‌ان‌ان منتشر کرد، این پول‌ها با چمدان ابتدا به اسرائیل و سپس به نوار غزه می‌رسید.

تشکیلات خودگردان فلسطینی از ابتدا با این اقدام اعلام مخالفت کرد. در مقابل این مخالفت‌ها، گروه افراطی حماس که در فهرست تروریستی آمریکا و اروپا قرار دارد، گفت که از این پول‌ها برای پرداخت حقوق کارمندان دولتی و فراهم کردن خدمات پزشکی استفاده می‌شود.

اوت سال ۲۰۱۸، دولت اسرائیل به ریاست بنیامین نتانیاهاو با ارسال پول از قطر به نوار غزه تحت حاکمیت حماس موافقت کرد. همان هنگام بنیامین نتانیاهاو به‌خاطر این سیاست در معرض انتقادهایی از سوی ائتلاف دولتی قرار گرفت؛ سیاستی که «رفتار بسیار نرم» با حماس توصیف شد. اما نتانیاهاو موافقت دولتش را با این اقدام این‌گونه توجیه کرد که

«با هماهنگی کارشناسان امنیتی و با هدف بازگرداندن آرامش به شهرک‌های اسرائیلی در جنوب کشور و جلوگیری از فاجعه انسانی در نوار غزه صورت می‌گیرد.»

گزارش‌های متعدد اسرائیلی و بین‌المللی حکایت از آن دارد که نتانیاهو از راه رساندن کمک‌های مالی قطر به نوار غزه در پی آن بود تا «گروه حماس را به‌عنوان قدرتی موازی تشکیلات خودگردان فلسطینی حفظ کند تا از این راه مانع تشکیل دولت مستقل فلسطینی شود.»

اما برخی مسئولان تشکیلات فلسطینی می‌گویند که نتانیاهو به‌دنبال «گسترش شکاف میان فلسطینی‌ها» بود. از سوئی، عاموس گیلعاد، از مسئولان بلندپایه سابق وزارت دفاع اسرائیل، به شبکه سی‌ان‌ان گفته است «نتانیاهو از طرحی حمایت کرد که مورد تأیید جامعه اطلاعاتی اسرائیل نبود.» به‌گفته گیلعاد، «برخی معتقد بودند که این طرح حاکمیت فلسطینی را تضعیف می‌کند و یک توهم هم وجود داشت که می‌توان حماس را با کمک مالی رام کرد.» در مورد توافق نتانیاهو با قطر برای ارسال پول به غزه، شلومو بروم، معاون مشاور امنیت ملی پیشین اسرائیل، در مصاحبه با روزنامه امریکائی نیویورک تایمز گفته است که «توافق نتانیاهو با قطر برای ارسال پول به حماس به او کمک کرد تا از مذاکرات برای برپائی کشور فلسطینی پرهیز کند.»

به‌گفته بروم، «شکاف و اختلاف میان فلسطینی‌ها به نتانیاهو برای ترویج روایتش، که می‌گوید هیچ شریکی برای صلح میان فلسطینی‌ها وجود ندارد، کمک کرد و از این راه از فشارها برای ورود به مذاکراتی که به برپائی کشور مستقل فلسطینی بینجامد، کاست.»

نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل، هم به شبکه سی‌ان‌ان گفته است پس از آن‌که سال‌ها به‌عنوان وزیر آموزش نگرانی‌های خود را در دولت ابراز می‌کرد، با رسیدن به ریاست دولت در سال ۲۰۲۱، تصمیم گرفت روند رسیدن پول به غزه را متوقف کند، با این استدلال که «چرا به آن‌ها پول برسانیم؟ تا با آن ما را بکشند؟»

### نتانیاهو در معرض انتقادها

در این میان، مارتین اندیک، سفیر سابق آمریکا در اسرائیل، بنیامین نتانیاهو را «خطری آشکار» برای کشورش توصیف کرده و خواستار استعفای او «پیش از وارد آوردن زیان بیشتر به اسرائیل» شده است. اندیک در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اصرار نتانیاهو برای ماندن در قدرت به هر بهائی خطری آشکار برای اسرائیل است.»

در واکنش به انتقادها، بنیامین نتانیاهو اتهام‌های مبتنی بر این‌که «با هدف ایجاد اختلاف میان فلسطینی‌ها و تقسیم آن‌ها به اردوگاه‌های سیاسی رقیب اجازه داد قطر به حماس کمک مالی کند» را رد کرد و این سخنان را «ادعاهای سخیف» خواند.

نتانیاهو در مصاحبه با اکسل اسپرینگر گفت: «این یک دروغ بزرگ است که من می‌خواستم حماس را توانمند کنم... اگر بخواهی حماس را توانمند کنی، سه بار با آن نمی‌جنگی و عملیات بزرگی علیه آن راه نمی‌اندازی.» عاموس گیلعاد، از مسئولان سابق وزارت دفاع اسرائیل، در مصاحبه با شبکه سی‌ان‌ان همچنین با تأکید بر این‌که «از مخالفان ارسال پول برای حماس» بوده، این موضوع را «اشتباهی فاجعه‌بار» خوانده و گفته است پول‌های قطر «به حماس کمک کرد تا سلطه امنیتی خود را بر نوار غزه مستحکم کند. این پول‌ها برای حماس مانند اکسیژن بود.»



### ادامه حملات سنگین‌تر اسرائیل به لبنان در سال‌گرد هفتم اکتوبر

در بخش دیگری از گزارش روز دوشنبه ارتش اسرائیل آمده است که نیروهای اسرائیلی موفق شدند ۸۰۰ «تروریست» شامل ۹۰ فرمانده را در لبنان از بین ببرند و به ۱۱ هزار موضع حزب‌الله در لبنان حمله کنند.

حزب‌الله، قوی‌ترین نیروی مسلح شبه‌نظامی لبنان، تقریباً بلافاصله پس از حمله حماس در اکتوبر گذشته شلیک راکت به سمت اسرائیل را آغاز کرد. اسرائیل در ماه گذشته مبارزه با حزب‌الله را تشدید کرد و حسن نصرالله و بسیاری از فرماندهان ارشد این گروه را کشت و عملیات زمینی محدودی را در جنوب لبنان آغاز کرد. این شدیدترین درگیری‌ها از زمان جنگ یک ماهه اسرائیل و حزب‌الله در سال ۲۰۰۶، محسوب می‌شود.

فیلیپو گراندی، رئیس آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد، روز یکشنبه در جریان بازدید از بیروت گفت که لبنان با یک «بحران بزرگ آوارگان» مواجه است و برخی از حملات اسرائیل ناقض قوانین بین‌الملل است.

بنا بر اعلام وزارت بهداشت لبنان، در درگیری‌های اخیر در لبنان نزدیک به دو هزار نفر کشته شدند و مقام‌های دولتی تخمین می‌زنند که این جنگ ۲/۱ میلیون نفر را به ترک خانه‌هایشان مجبور کرده است.

حزب‌الله لبنان نیز که پیش‌تر تنها به مناطق شمالی اسرائیل راکت پرتاب می‌کرد، حملاتش را گسترش داده است. خبرگزاری سی‌ان‌ان به نقل از مقام‌های بیمارستان رامیام حیفا گزارش داد که در جریان حملات راکتی اواخر وقت یکشنبه حزب‌الله به این شهر دست‌کم پنج نفر مجروح شده‌اند. منابع خبری دیگر نیز از سقوط راکت‌ها و ترکش‌ها در حیفا خبر داده‌اند. حزب‌الله در بیانیه‌ای اعلام کرد که پایگاه نظامی کارمل اسرائیل را هدف گرفته است.

خبرگزاری فرانسه یکشنبه‌شب به نقل از رسانه‌های داخلی لبنان گزارش داد که ارتش اسرائیل پس از درخواست تخلیه مناطق حومه جنوبی بیروت، دو حمله به پایگاه‌های حزب‌الله انجام داده است. ویدیوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که در پی حملات ارتش اسرائیل، انفجارهای پیاپی در این پایگاه‌ها رخ داد. بنا بر گمانه‌زنی برخی منابع، این انفجارهای ثانویه ناشی از وجود مهمات و تسلیحات در مواضع هدف گرفته شده است.

ارتش اسرائیل در سالگرد حمله حماس در ۷ اکتوبر، به حملات هوایی خود علیه مواضع حزب‌الله در جنوب بیروت ادامه داد. در حمله راکتی حزب‌الله به حیفا ۱۰ نفر زخمی شدند.

مقامات امنیتی اسرائیل اعلام کردند که نیروهای ارتش به مناسبت سال‌گرد اولین سال‌گرد «طوفان الاقصی» که توسط جنبش حماس در هفت اکتوبر ۲۰۲۳ علیه شهرک‌های «غلاف غزه» آغاز شد، در سراسر اراضی اشغالی در حالت آماده‌باش قرار گرفتند. اسرائیل هم‌زمان تأکید کرد که به حمله راکتی ایران نیز پاسخ خواهد داد.

وبگاه عرب ۴۸ نوشت: «در حالی که ۲۴ ساعت تا سالگرد حمله بی‌سابقه حماس به شهرک‌های غزه و شهرهای جنوبی اسرائیل باقی مانده است، اسحاق هرتزوغ، رئیس اسرائیل، اظهار داشت که زخم‌های این حمله هنوز التیام نیافته است. وی در عین حال تاکید کرد که ایران و «نیروهای تحت امر آن» تهدیدی دائمی برای این کشور محسوب می‌شوند.»

نیروهای امنیتی اسرائیل در مناطق مختلف کرانه باختری و نوار غزه در حالت آماده باش کامل قرار گرفته‌اند. طبق گزارش رسانه‌های اسرائیلی، حدود ۵ هزار پولیس در قلب شهرهای اسرائیلی مستقر شده‌اند تا از وقوع حملات احتمالی و عملیات مسلحانه جلوگیری کنند.

یک سال پس از حمله حماس به اسرائیل و شروع جنگی خونین، اینک هیچ‌چیز برای غزه و فلسطینیان، لبنان و حتی ایران مشابه قبل از ۱۵ مهر ۱۴۰۲ نیست.

کشیده شدن پای حزب‌الله لبنان به جنگ با اسرائیل، از نقطه‌نظر منافع جمهوری اسلامی، باعث بزرگ‌ترین خسارات به مهم‌ترین گروه شبه‌نظامی مورد حمایت ایران از زمان تاسیس آن در اوایل دهه ۱۳۶۰ شده است.

طی یک سال اخیر، اسرائیل نه تنها «حسن نصرالله»، رهبر این گروه، که تمامی کادر اصلی فرماندهی حزب‌الله را در عملیات مختلف کشته و هزاران نفر از افراد رده پائین‌تر آن را در یک رشته حمله بی‌سابقه که از طریق انفجار پیجرها انجام شد، آسیب‌های جدی دیدند. برخی از رهبران و فرماندهان حزب‌الله که از زمان انفجار مقر تفنگداران دریائی امریکا در آبان ۱۳۶۳ در بیروت و حمله به انتحاری به نیروهای اسرائیلی در جنوب بیروت تحت تعقیب بودند، در یک سال اخیر کشته شدند.

ترور نصرالله که خامنه‌ای او را «برادر عزیز» خواند که «عمیقا عزادار» اوست، اساسی‌ترین ضربه به برنامه نظامی جمهوری اسلامی و نیروی قدس پس از کشته شدن «قاسم سلیمانی»، بر اثر حمله حماس به اسرائیل است. حذف رهبر معتمد و قدیمی باسابقه‌ترین گروه نیابتی جمهوری اسلامی، عمیق‌ترین ضربه به لبنان در سال‌های اخیر است که تمامیت ارضی این کشور را متاثر کرد.

به غیر از درگیر کردن مجدد لبنان با اسرائیل، حمله حماس، مهم‌ترین و شاید تاریخی‌ترین توافق میان حزب‌الله به نمایندگی از لبنان در برابر اسرائیل را از بین برد.

حزب‌الله لبنان و اسرائیل یک سال پیش از جنگ غزه، به موفقیتی تاریخی بر سر ترسیم مرزهای دریائی لبنان و اسرائیل رسیده بودند که به اختلافات دو کشور در دریای مدیترانه پایان داده بود.

بر اساس این توافق، لبنان توانست حقوق اکتشاف و استخراج گاز در میدان گازی «قانا» را به‌دست آورد و اسرائیل هم موفق شد مالکیت و حق بهره‌برداری کامل از میدان گازی «کاریش» را بگیرد که پیش از تقسیم مرزهای دریائی با لبنان، مورد اختلاف بود.

توافق با میانجی‌گری امریکا و در ساختمان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در بیروت، به امضای رئیس‌جمهور لبنان و نخست‌وزیر اسرائیل رسید.

منابع انرژی جدید و درآمد تازه در میدان‌های قانا و کاریش، برای هر دو کشور بدون درگیری به‌دست آمده بود و حزب‌الله به‌عنوان نیروی نیابتی جمهوری اسلامی موفق شده بود به شکلی سیاسی یک پیروزی چشم‌گیر برای لبنان خلق کند و سایه سنگین سابقه نظامی‌گری و ترور را تا حدی از روی خود بردارد و به پیروی دیپلماتیک مفتخر باشد.

در اسرائیل هم از این توافق ابراز شادمانی می‌شد و به‌دست آمدنش یک پیروزی بر دشمن حساب می‌آمد اما «بنیامین نتانیاها» چند روز پس از حمله حماس، توافق با لبنان را باطل اعلام کرد و مهم‌ترین دستاورد سیاسی حزب‌الله برای لبنان که جمهوری اسلامی می‌توانست به آن تفاخر کند، از دست رفت.



کودکان غزه

### یک سال جنگ؛ مادران آواره غزه برای زندگی نوزادان خود می‌جنگند

رنا صلاح، مادر غزه‌ای، دختر یک‌ماهه‌اش میلانا را در آغوش گرفته و در یک چادر گرم که محل زندگی آوارگان است، از احساس گناهی صحبت می‌کند که برای آوردن فرزندش به دنیایی از جنگ و رنج دارد. او می‌گوید: «اگر دست من بود، در طول جنگ باردار نمی‌شدم و فرزندى به دنیا نمی‌آوردم زیرا زندگی کاملاً متفاوت شده است؛ ما هرگز این‌گونه زندگی نکرده‌ایم.» او این صحبت‌ها را در اردوگاهی در دیر البلح در مرکز نوار غزه بیان کرد.

«من قبلاً دو بار زایمان کرده‌ام و زندگی برای من و فرزندم بهتر و آسان‌تر بود. حالا احساس می‌کنم هم به خودم و هم به فرزندم ظلم کرده‌ام، چون ما سزاوار زندگی بهتری هستیم.»

به گزارش رویترز؛ میلانا به دلیل عوارض بارداری در یک چادر بیمارستانی با سزارین به دنیا آمد. خانواده او به دلیل درگیری‌ها نتوانسته‌اند به خانه خود بازگردند و به‌جای آن از یک چادر به چادری دیگر نقل مکان می‌کنند. میلانا یکی از حدود ۲۰ هزار نوزادی است که در سال گذشته در غزه به دنیا آمده‌اند. این آمار توسط یونیسف ارائه شده است.

جنگ کنونی، که یکی از مرگبارترین جنگ‌ها در درگیری چندین دهه‌ای اسرائیل و فلسطین است، در تاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ آغاز شد، زمانی که شبه‌نظامیان حماس به اسرائیل حمله کرده و طبق آمار اسرائیل، ۱۲۰۰ نفر را کشتند و حدود ۲۵۰ نفر را به گروگان گرفتند.

حملات هوایی و توپخانه‌ای اسرائیل در پاسخ به این حمله، بسیاری از مناطق نوار غزه را به ویرانه تبدیل کرده است و بنا به گفته وزارت بهداشت غزه، بیش از ۴۱,۵۰۰ فلسطینی در این حملات کشته شده‌اند. بیش‌تر ۲.۳ میلیون نفر ساکنان غزه نیز آواره شده‌اند.

### خطر عفونت

رنا صلاح با یک تکه مقوا میلانا را باد می‌زند و می‌گوید که گرما برای پوست نوزاد خطرناک است. «به‌جای بازگشت به خاتمان، مدام از یک چادر به چادر دیگری می‌رویم... جایی که بیماری‌ها فراوان است و آب آلوده شده است.»

سازمان جهانی بهداشت (WHO) اعلام کرده خدمات پس از زایمان در غزه به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است، بنابراین زنانی که دچار عوارض می‌شوند کمتر به مراقبت‌های لازم دسترسی دارند، همچنین نوزادان آن‌ها نیز از این خدمات بی‌بهره‌اند.

ریک برنان، مدیر منطقه‌ای اورژانس مدیترانه شرقی در سازمان جهانی بهداشت، گفت سوءتغذیه تهدیدی برای نوزادان است، به‌ویژه اگر مادران نتوانند به نوزادان خود شیر بدهند، زیرا دسترسی به جایگزین‌های شیر مادر وجود ندارد. جابه‌جایی و حرکت دائم برای نوزادان مخرب است و آن‌ها را در معرض انواع عفونت‌ها قرار می‌دهد. منار ابو جراد در یک پناهگاه مدرسه‌ای که توسط آژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی (آنروا) اداره می‌شود، اقامت دارد. کوچک‌ترین دختر او، سحر، در تاریخ ۴ سپتامبر و با سزارین به دنیا آمد. همسر او در جریان جنگ کشته شده است.

او زمانی که متوجه شد برای زایمان نیاز به عمل سزارین دارد، نگران مراقبت از دیگر فرزندان شد. «من سه دختر دیگر دارم. شروع به فریاد زدن کردم... چه‌طور می‌توانم سطل‌های آب را حمل کنم؟ چه‌طور می‌توانم دخترانم را بشویم؟ چگونه می‌توانم به آن‌ها کمک کنم وقتی که شوهرم با من نیست، او شهید شده است.» کودکان، نوزاد سحر را که در گهواره‌ای پیچیده شده، به آرامی تکان می‌دهند و در کنار مادرش، ابو جراد، نشسته‌اند. او می‌گوید: «من به جایی رسیده‌ام که دیگر نمی‌توانم مسئولیت این دختر را به‌عهده بگیرم... خدا را شکر که این‌جا کمی کمک پیدا کردم.» او هرچه می‌تواند از خانواده قرض گرفته و فقط از یک پوشک در روز برای نوزاد استفاده می‌کند زیرا توان خرید بیشتری ندارد. «من پولی ندارم که برای او پوشک یا شیر فراهم کنم.»

ابو جراد آرزوی پایان جنگ و بازگشت به خانه را دارد، حتی اگر قرار باشد زندگی‌اش فقط یک چادر کنار خانه سابقش بگذرد.

«مهم این است که به خانه برگردیم. بس است دیگر از این همه خستگی که این‌جا تجربه می‌کنیم، بس است از حمل سطل‌ها، بس است از کثیفی در حمام‌ها. واقعا، واقعا سخت و واقعا خسته‌کننده است برای ما. بیماری همه‌جا هست.» صدها هزار نفر در اردوگاه‌های نامناسب و آلوده زندگی می‌کنند و حتی اگر آتش‌بس هم برقرار شود، خانه‌ای برای بازگشت ندارند. کوه‌هایی از آوار که با بقایای انسانی، مهمات منفجر نشده و مواد خطرناک دیگر آمیخته شده؛ پاک‌سازی همه این‌ها احتمالاً سال‌ها زمان خواهد برد.

سازمان ملل تخمین می‌زند که حدود ۹۰ درصد از جمعیت ۳/۲ میلیونی غزه جابه‌جا شده و اغلب چندین بار مجبور به این کار شده‌اند. دستورات تخلیه اسرائیل اکنون حدود ۹۰ درصد از این منطقه را پوشش می‌دهد.

مدارس به پناهگاه تبدیل شده‌اند و صدها هزار نفر در اردوگاه‌های چادری وسیع در امتداد ساحل زندگی می‌کنند. گروه پناهگاه یا Shelter Cluster که یک ائتلاف بین‌المللی از ارائه‌دهندگان کمک‌های امدادی با مدیریت شورای پناهندگان نروژ است می‌گوید که به دلیل محدودیت‌های اسرائیل، ادامه جنگ و فروپاشی نظم و قانون در غزه، با مشکل وارد کردن اقلام اولیه مواجه شده است.

این گروه تخمین می‌زند که حدود ۹۰۰ هزار نفر در این منطقه به چادر و لوازم خواب نیاز دارند.



آوارگان فلسطینی AP Photo

جنگ زیرساخت‌های غزه را که پیش از آن نیز در شرایط بدی بود، ویران کرده است. این زیرساخت‌ها پس از ۱۶ سال محاصره اسرائیل و مصر از زمانی که حماس در سال ۲۰۰۷ قدرت را در دست گرفت، در وضعیت نامناسبی قرار داشت. سازمان ملل می‌گوید جنگ بیش از ۹۲ درصد از جاده‌های اصلی غزه و بیش از ۸۴ درصد از تأسیسات بهداشتی آن را تخریب یا آسیب‌دیده کرده است.

این سازمان تخمین می‌زند که نزدیک به ۷۰ درصد از تأسیسات آب و بهداشتی غزه تخریب شده یا آسیب‌دیده‌اند. این شامل هر ۵ مرکز تأسیسات تصفیه فاضلاب، به‌علاوه تأسیسات آب‌شیرین‌کن، ایستگاه‌های پمپاژ فاضلاب، چاه‌ها و مخازن است. فروپاشی زیرساخت‌های آب موجب جاری شدن فاضلاب در خیابان‌های بسیاری از مناطق شده و به گسترش بیماری‌ها در میان جمعیتی که از گرسنگی ضعیف شده‌اند، دامن زده است.

در محل خانه‌ها، مغازه‌ها و ساختمان‌های اداری که روزی وجود داشتند، اکنون کوه‌های عظیمی از آوار وجود دارد که با بقایای انسانی، مواد خطرناک و مهمات منفجر نشده آمیخته شده است.

سازمان ملل تخمین می‌زند که جنگ حدود ۴۰ میلیون تن آوار و نخاله در غزه باقی گذاشته باشد. با این حجم می‌توان پارک مرکزی نیویورک را تا عمق ۸ متری پر کرد. گفته می‌شود که پاکسازی این آوار ممکن است تا ۱۵ سال طول بکشد و حدود ۶۵۰ میلیون دلار هزینه داشته باشد.

بانک جهانی خسارت‌های وارده به غزه در سه ماه نخست جنگ را ۱۸.۵ میلیارد دلار تخمین زده که تازه این برآورد مربوط به قبل از چندین عملیات بزرگ اسرائیلی بوده است. این رقم تقریباً معادل تولید اقتصادی کرانه باختری و غزه در سال ۲۰۲۲ است.

کشورهای ثروتمند عربی مانند عربستان سعودی و امارات عربی متحده گفته‌اند که تنها در صورتی حاضر به کمک به بازسازی غزه هستند که این امر به بخشی از توافق صلح بعد از جنگ که مسیری برای ایجاد یک دولت فلسطینی ایجاد کند، تبدیل شود.

بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل این را رد کرده و گفته است که اجازه نخواهد داد تا حماس یا حتی تشکیلات خودگردان فلسطینی که از سوی غرب حمایت می‌شود، بر غزه حکومت کنند. او گفته است که اسرائیل کنترل امنیتی نامحدودی را حفظ کرده و امور غیرنظامی را به فلسطینیان محلی واگذار خواهد کرد. اما هیچ‌کس داوطلب این کار نشده است و حماس تهدید کرده هرکسی را که به اشغال‌گران کمک کند، خواهد کشت.



اسرائیل قبل از جنگ اجازه ورود مصالح ساختمانی را داده بود، اما این سیستم تحت محدودیت‌ها و تاخیرهای زیادی قرار داشت. گروه پناهگاه چنین برآورد می‌کند که با این سیستم، بازسازی تمامی خانه‌های تخریب‌شده در غزه ۴۰ سال طول خواهد کشید.

### کانال ۱۲ اسرائیل: اهداف مورد نظر اسرائیل برای حمله به جمهوری اسلامی

به گزارش کانال ۱۲ اسرائیل اهداف مورد نظر اسرائیل برای حمله به جمهوری اسلامی شامل تاسیسات نفت و گاز، پایگاه‌های راکتی، مجتمع ریاست جمهوری، مقر خامنه‌ای و مراکز فرماندهی سپاه پاسداران در تهران است. یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، روز یکشنبه به جمهوری اسلامی هشدار داد که اگر در صدد آسیب‌رساندن به اسرائیل باشد، ممکن است سرنوشتی مشابه غزه یا بیروت پیدا کند. گالانت در بیانیه‌ای گفت: «ایرانی‌ها توانایی‌های نیروی هوایی ما را لمس نکردند - هیچ هواپیمایی آسیب ندید، هیچ اسکادرانی از کار نیفتاد.» او به حمله راکتی اخیر ایران به اسرائیل اشاره کرد که دو پایگاه نیروی هوایی اسرائیل را هدف قرار داد. گالانت افزود: «هر کسی که فکر می‌کند تنها تلاش برای آسیب‌رساندن به ما باعث می‌شود که ما از اقدام باز داشته شویم، باید نگاهی به دستاوردهای ما در غزه و بیروت ببیند.» افسر سابق ارتش اسرائیل به کانال ۱۲ تلویزیون این کشور، گفت: جمهوری اسلامی سورپریزهای نظامی دیگری برای اسرائیل ندارد. تهران می‌تواند راکت‌های پیش‌تری به ما شلیک کند، اما این عملیات هیچ تفاوت قابل‌توجهی با اقدامات اخیر جمهوری اسلامی نخواهد داشت.

### پیامدهای اقتصادی جنگ احتمالی ایران و اسرائیل؛ چه سناریوهایی مطرح است؟

تشدید درگیری‌ها میان اسرائیل و ایران می‌تواند علاوه بر فجایع انسانی، باز هم باعث افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی شود. قیمت نفت هفته گذشته پس از اعلام تصمیم اسرائیل مبنی پاسخ به حملات راکتی ایران، بار دیگر افزایش یافت و نگرانی‌ها از مختل شدن عرضه جهانی انرژی به دلیل وقوع یک جنگ تمام عیار در خاورمیانه را تشدید کرد. اکنون سؤال بزرگ این است که رفتار آینده اسرائیل و ایران چه خواهد بود و آیا این اقدامات جریان صادرات نفت از این منطقه را محدود خواهد کرد یا خیر؟ نفت خام برنت یکروز پس از حمله ایران به اسرائیل ۷۵ دلار در هر بشکه معامله شد که رشدی ۳ درصدی را نشان می‌داد و بالاترین نرخ در یک ماه گذشته بود. بازارها در حالی از یک شوک نفتی دیگر نگرانند که قیمت نفت خام در سال گذشته به غیر از یک دوره کوتاهمدت افزایش (از جمله پس از حملات ۷ اکتوبر حماس به اسرائیل) نسبتاً ثابت بوده است. پس از حمله راکتی ایران به اسرائیل در ماه آوریل نیز نعتها بازارها با افزایش بلندمدت بهای نفت روبرو نشدند بلکه وزیر نفت عربستان سعودی هشدار داد که قیمت‌ها ممکن است تا ۵۰ دلار در هر بشکه کاهش یابد. نیویورک تایمز به نقل از بیل فارن پرایس، محقق ارشد موسسه مطالعات انرژی آکسفورد می‌نویسد که این بار با توجه به دخالت عمیق ایران در درگیری، ممکن است وضعیت متفاوت باشد. او در این باره سه سناریو را مطرح می‌کند:

**سناریوی اول**، حمله اسرائیل به زیرساخت‌های نفتی ایران است. چنین حمله‌ای می‌تواند به اقتصاد ایران آسیب برساند و میزان صادرات نفت این کشور را محدود کند. ایران روزانه حدود دو میلیون بشکه نفت خام تولید می‌کند که معادل حدود ۲ درصد از عرضه جهانی است.

**سناریوی دوم** این است که غرب تحریم‌های نفتی ایران را افزایش دهد. به این ترتیب حمایت قوی ایالات متحده از اسرائیل می‌تواند منجر به تشدید محدودیت‌هایی شود که ایران توانسته است تاکنون آن‌ها را به‌نوعی دور بزند.

**سناریوی سوم** نیز این است که ایران به منافع همسو با اسرائیل در خلیج فارس حمله کند. تهران می‌تواند برای مسدود کردن تنگه هرمز تلاش کند یا به کشتی‌هایی که از منطقه عبور می‌کنند حمله کند و روند انتقال بین‌المللی نفت را مختل کند.

شرکت تحقیقاتی «ClearView Energy Partners» برآورد کرده که حمله به زیرساخت‌های ایران باعث افزایش بهای نفت تا ۱۳ دلار در هر بشکه بشود؛ در حالی که سناریوی بسته شدن تنگه هرمز می‌تواند قیمت‌ها را تا ۲۸ دلار در هر بشکه افزایش دهد.

فارن پرایس نیز به نکته مهمی اشاره داد؛ اینکه پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ میلادی، سیاست‌های منطقه‌ای تغییر کرده و دیگر «چشم انداز بازگشت به دهه ۱۹۶۰ یا ۱۹۷۰، زمانی که همه کشورهای عربی علیه اسرائیل متحد شده بودند، بعید است.»



تصویری عجیب از آسمان خاورمیانه

### **کابوس جنگ تمام عیار؛ درگیری هوایی، دریایی و حتی زمینی ایران و اسرائیل چگونه خواهد بود؟**

یک جنگ تمام عیار منطقه‌ای در خاورمیانه چگونه خواهد بود؟ جنگی هوایی، دریایی یا زمینی خواهد بود؟ آیا ایالات متحده به ناچار در این جنگ مشارکت خواهد کرد؟

در یک سالی که از «حملات تروریستی» هولناک حماس به اسرائیل می‌گذرد، خاورمیانه در یک چرخه غیرقابل توقف خشونت و تشدید رویارویی نظامی بین اسرائیل و ایران و نیروهای نیابتی این کشور گرفتار شده است.

مرحله تازه از حرکت به سوی آغاز جنگی تمام عیار، می‌تواند حمله تلافی‌جویانه اسرائیل در پاسخ به حمله راکتی این هفته ایران به تل‌آویو باشد. با وجود عدم ثبت کشته‌شدگان پرتعداد، بسیاری از رهبران ارشد اسرائیل همچون بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، تاکید دارند که ایران باید هزینه حمله به خاک اسرائیل را بپردازد.

این حمله احتمالی می‌تواند شامل حملات هوایی دوربرد علیه آسیب‌پذیرترین تاسیسات هسته‌ای ایران که عمدا در سراسر این کشور پهناور پراکنده شده است، باشد.

انجام این حمله مستلزم ترکیب پیچیده‌ای از بارگیری بمب‌های "GBU-57" بر روی هواپیماهای F-15 و انجام سوخت‌گیری دشوار آن‌ها در حین پرواز است. اسرائیلی‌ها باید تاسیسات زیادی را هدف قرار دهند؛ تا

کنون حداقل وجود ۲۱ تاسیسات اتمی در ایران فاش شده است از جمله نطنز، فردو، اراک و پارچین که قطعا برای این حمله هوایی به دهها فروند جنگنده نیاز است.

بنابراین، اسرائیل باید ناوگان هوایی را برای این حمله تدارک ببیند که در آن هواپیماهای جنگنده اختصاصی مانند F-35 و جت‌های ویژه جنگ الکترونیک نیز حضور داشته باشند. اجازه پرواز این تعداد جنگنده بر فراز کشورهای منطقه صادر نخواهد شد. در عین حال، شاید نیروی هوایی اسرائیل با حمله پدافندی از خاک سوریه و عراق مواجه شوند و ترکیه و جمهوری آذربایجان نیز حاضر به در اختیار گذاشتن حریم هوایی خودشان نمی‌شوند. پدافند هوایی اس ۳۰۰- روسیه و جنگنده‌های میگ ۲۹- و اف ۱۴- که ایران در اختیار دارد، هر چند که ابزار مهیبی در برابر توان هوایی اسرائیل محسوب نمی‌شوند ولی هر حمله‌ای را دشوار می‌کند.

در مقابل، پاسخ ایران به اسرائیل آن گونه که مقام‌های ارشد این کشور گفته‌اند، سنگین و سخت خواهد بود. به احتمال زیاد، حزب‌الله شلیک پیاپی راکت‌های زمین به زمین به خاک اسرائیل را آغاز می‌کند. کارشناسان احتمال می‌دهند که تا کنون یک سوم از زرادخانه ۱۳۰ هزار فروندی حزب‌الله تحت حملات اسرائیل و شلیک آن‌ها به سمت این کشور از بین رفته یا مصرف شده باشد.

از این‌رو، به باور گروهی از کارشناسان نظامی اگر فقط نیمی از راکت‌های باقی‌مانده در امواج پیاپی به سمت تل‌آویو، حیفا، تاسیسات نظامی، تأسیسات موساد و مراکز سیاسی در تل‌آویو و اورشلیم شلیک شوند، خسارات و تلفات غیرنظامیان حتی با توجه به دفاع هوایی قوی اسرائیل، می‌تواند قابل توجه باشد.

افزون بر این، احتمال دارد که در پی حمله اسرائیل به ایران، حماس گروگان‌های باقی‌مانده از حمله ۷ اکتوبر را که هنوز در اختیار دارد، اعدام کند. همچنین، احتمال رخداد حملات تروریستی استشهادی و انتحاری علیه یهودی‌ها در خاک اسرائیل و برخی کشورهای دیگر بالا می‌رود. حوثی‌های یمن نیز می‌توانند با تشدید حملات راکتی دوربرد خود در حمله به خاک اسرائیل یا هدف قرار دادن ناوگان تجاری در دریای سرخ و تاسیسات نفتی کشورهای منطقه مشارکت کنند.

هر چند کارشناسان نظامی همچنان در مورد نقطه‌زمن بودن راکت‌های بالستیک ایران تردید دارند ولی به باور آن‌ها استفاده پرتعداد ایران از زرادخانه‌ای که موجودی آن ۳ هزار فروند برآورد شده، می‌تواند بسیاری از خطاها و نقص‌های این راکت‌ها را با توجه به مساحت کم اسرائیل جبران کند و خسارت جدی به این کشور وارد کند.

همزمان، ایران احتمالا حملات پهبادی را توسط شبه‌نظامیان شیعه ایرانی در سوریه یا غرب عراق به تأسیسات هسته‌ای مخفی اسرائیل و نیروی هوایی ارتش اسرائیل انجام خواهد داد. احتمال می‌رود که این حملات با اوج‌گیری حملات سایبری میان دو کشور همراه باشد.

نیروی دریایی ایران هم می‌تواند به ناوگان کشورهای غربی در خلیج فارس و تاسیسات نفتی کشورهای عربی همسو با اسرائیل حمله کند و مهمتر از همه، به دنبال بستن تنگه هرمز باشد. این امر مستلزم استفاده از راکت‌های دریا به زمین، دریا به دریا و زمین به دریا، مین‌ها، قایق‌های تندرو کوچک و زیردریایی‌ها است که ایران در اختیار دارد.

عملیات زمینی ایران هم هرچند در ابتدا بعید به نظر می‌رسد ولی ایران می‌تواند برای کمک به شبه‌نظامیان تحت حمایت خود در سوریه، لبنان به این کشورها نیروی بیشتری اعزام کند و با گسیل کردن شبه‌نظامیان مستقر در عراق، از کشورهای هم‌مرز با اسرائیل یعنی سوریه و لبنان عملیاتی زمینی را نیز به خاک این کشور انجام دهد.

اختلالات ناشی از جریان نفت و گاز که می‌تواند اقتصاد جهانی را با شوک تازه‌ای مواجه کند، زمینه را برای شکل‌گیری ائتلاف جهانی و منطقه‌ای علیه ایران فراهم می‌کند.

تقریباً به‌طور قطع ایالات متحده وارد یک جنگ تمام عیار بین اسرائیل و ایران خواهد شد. اسرائیلی‌ها حمایت رزمی قابل توجهی می‌خواهند: بالاترین سطح اطلاعات از هواپیماهای تجسسی و ماهواره‌ها، پشتیبانی در حملات سایبری، مهمات پیشرفته و سوخت‌گیری هوایی.

کشورهای عربی و غربی متحد امریکا نیز که در ابتدا سعی می‌کنند بی طرفی خود را حفظ کنند تا صرفاً از تنزل قدرت نیروهای نیابتی و توان نظامی ایران بهره ببرند، پس از رخداد جنگ نفتی ناچار به همراهی با امریکا و اسرائیل و مشارکت در یک جنگ تمام عیار در خاورمیانه می‌شوند.

در مجموع، وقوع یک جنگ تمام عیار منطقه‌ای بین اسرائیل و ایران هم به اقتصاد جهانی آسیب می‌زند، هم ده‌ها هزار سرباز و غیرنظامی را به کشتن می‌دهد، سایر کشورهای جهان را نیز درگیر جنگ با ایران می‌کند و زیرساخت‌های ایران را هم نابود می‌کند.

اما با وجود تهدیدهای جدی دو طرف، شاید ایران و اسرائیل با توجه به تبعات سنگین رخداد جنگ تمام عیار در خاورمیانه، در لحظه آخر از ادامه شلیک به سمت یکدیگر انصراف دهند و به شیوه مبارزه پیشین خود بازگردند، حمله نیابتی‌های ایران به اسرائیل و سرکوب آنها توسط تل‌آویو.



### تشدید سانسور و تهدید در ایران

در روزهای اخیر به دستکم ۳۰ روزنامه‌نگار و هنرمند در ایران از طریق احضار به داسرا یا تماس تلفنی قضات داسرای فرهنگ و رسانه و ماموران وزارت اطلاعات، هشدار داده شده است از هرگونه انتقاد یا ابراز نگرانی درباره احتمال وقوع جنگ گسترده میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل پرهیز کنند.

یکی از روزنامه‌نگاران حوزه فرهنگ در ایران می‌گوید: «قضات و ماموران در احضارها و تماس‌هایی که همچنان ادامه دارد، بابت حتی یک استوری اینستاگرامی ساده یا باز نشر خبر یک رسانه در توئیتر هم روزنامه‌نگاران و هنرمندان را به بازداشت و ممنوع‌الکاری تهدید می‌کنند. در حالی که این حق طبیعی و قانونی هر شهروندی است که درباره آینده خود و کشورش ابراز نگرانی کند و از افزایش احتمال وقوع جنگی گسترده در ایران و نابودی احتمالی زیرساخت‌ها هراس داشته باشد.»

تسنیم، خبرگزاری وابسته سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، هم روز جمعه از برخورد قضائی با نوید محمدزاده به دلیل «اظهاریش بعد از حمله راکتی ایران» خبر داد و نوشت: «نوید محمدزاده به دلیل ایجاد رعب در راستای خدشه به امنیت روانی جامعه، مورد برخورد قضائی قرار گرفت.»

سخنان اعضای دولت اسرائیل و تائید مقام‌های امریکائی نشان می‌دهد که عزم بنیامین نتانیاهو برای دادن پاسخی گسترده به حمله راکتی روز سه‌شنبه سپاه پاسداران به خاک اسرائیل جدی است و به نظر می‌رسد همین امر موجب شده

است تا مقام‌های قضائی و امنیتی جمهوری اسلامی از آغاز مجدد خیزش‌های سراسری در شهرهای مختلف ایران و گسترش اعتراض‌ها به سیاست‌های جنگ‌طلبانه علی‌خامنه‌ای نگران شوند.

در همین خصوص، دادستان تهران نیز روز جمعه از تشکیل پرونده برای «مخدوش‌کنندگان امنیت روانی جامعه» خبر داد و مدعی شد: «در روزهای اخیر برخی حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی مانند ایکس، کانال‌های تلگرامی یا فعالان فضای مجازی به انتشار اخبار کذب یا ایجاد رعب در راستای خدشه به امنیت روانی جامعه اقدام کرده‌اند که با رصد فضای مجازی و شناسائی متخلفان، علیه برخی افراد اعلام جرم شد، با برخی برخورد قضائی صورت گرفت و به برخی دیگر تذکر داده شد.»

در این بیانیه، همچنین تاکید شد که برای «افرادی که علیه آن‌ها اعلام جرم شد» پرونده قضائی تشکیل شده است. همزمان با این رویدادها، مری لاولر، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور مدافعان حقوق بشر، روز جمعه درباره وضعیت وخیم سروناز احمدی، روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی ساکن ایران که به دلیل انتقاد از عملکرد جمهوری اسلامی در زندان اوین تهران محبوس است، هشدار داد.

لاولر روز جمعه ۱۳ مهر در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که با وجود وضعیت جسمانی وخیم و توصیه پزشکان، با اعطای مرخصی پزشکی به سروناز احمدی مخالفت می‌شود. او با تاکید بر اینکه این فعال اجتماعی تنها به دلیل «کنشگری مسالمت‌آمیز» به زندان محکوم شده است، نوشت: «ایران باید فوراً او را برای مداوای پزشکی آزاد کند.» یکی از همکاران سروناز احمدی روز ۲۴ شهریور به ایندیندنت فارسی خبر داد که وضعیت جسمانی او به دلیل ادامه اعتصاب دارو در اعتراض به موافقت نشدن با مرخصی درمانی‌اش رو به وخامت گذاشته است و خطر مرگ او را تهدید می‌کند.

شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران این روزنامه‌نگار معترض را به اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام، به سه سال و شش ماه زندان محکوم کرده که با وجود گذشت ۱۷ ماه از این حکم، تاکنون حتی یک روز مرخصی هم به این فعال اجتماعی داده نشده است.

### **نفتالی بنت: اسرائیل باید برای سرنگونی جمهوری اسلامی به تاسیسات اتمی و مقامات ایران حمله کند**

نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، یکشنبه ۱۵ مهر گفت اسرائیل اکنون تا زمان باقی مانده با هدف نهائی سرنگون کردن جمهوری اسلامی، باید تاسیسات هسته‌ای، رهبران حکومت ایران و منافع اقتصادی اصلی تهران را هدف قرار دهد.

بنت پستی در ایکس، با انتقاد از اظهارات جو بایدن که از اسرائیل خواسته است به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله نکند و حمله تلافی‌جویانه‌اش علیه جمهوری اسلامی «متناسب» باشد، گفت:

«جمهوری اسلامی بیش از ۳۰ سال است که اسرائیل را هدف ترور قرار داده است و با بازوهای اختاپوسی خود از جمله حماس، حزب‌الله و جهاد اسلامی، اسرائیل را احاطه کرده است. بازوهای اختاپوسی جمهوری اسلامی مردم بی‌گناه اسرائیل را کشته، سوزانده، ربوده و هدف تجاوز قرار داده‌اند.»

بنت خاطر نشان کرد حزب‌الله حدود ۱۰ هزار راکت به اسرائیل شلیک کرده و ده‌ها غیرنظامی، از جمله کودکان را کشته است و از سوی دیگر جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه چند روز قبل ۱۹۰ راکت بالستیک به اسرائیل و مناطق مرکزی آن از جمله تل‌آویو شلیک کرد، در فروردین نیز ۳۵۰ پرتابه به اسرائیل پرتاب کرد.

بنت گفت بدون فن‌آوری پیشرفته اسرائیل، راکت‌های جمهوری اسلامی می‌توانست هزاران نفر را بکشد.

نخست‌وزیر پیشین اسرائیل پرسید: «پس معنای پاسخ متناسب (از دیدگاه بایدن) چیست؟ آیا اسرائیل باید ایرانیان بی‌گناه را بکشد و بسوزاند و به آن‌ها تجاوز کند؟ ما چنین کاری نمی‌کنیم. آیا اسرائیل باید ۱۰ هزار راکت را به سمت شهرهای ایران شلیک کند؟ ما این کار را هم نمی‌کنیم. در نتیجه اسرائیل می‌تواند با روشی بسیار کمتر از اقدامات جمهوری اسلامی، به حکومت ایران واکنش نشان دهد.»

بنت با تاکید بر این‌که اسرائیل باید به تاسیسات هسته‌ای ایران و رهبران جمهوری اسلامی حمله کند و منافع اقتصادی اصلی حکومت ایران را هدف قرار دهد و آن‌ها را فلج کند، گفت: «همه این اقدامات تنها کسری از چیزی است که جمهوری اسلامی بر سر اسرائیل آورده است. در نتیجه چنین اقداماتی واقعا متناسب نخواهند بود، بلکه در مقایسه با اقدامات تهران بسیار کمتر هم هستند.»

او افزود: «هدف اصلی در نهایت باید این باشد که اسرائیل پیش از آنکه حکومت وحشی، فاسد و بی‌کفایت ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، جمهوری اسلامی را سرنگون کند. چنین اقدامی زمان می‌برد، اما واکنش این هفته باید چنین روندی را آغاز کند.»

نفتالی بنت گفت: «اگر اسرائیل اکنون برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را از بین نبرد، معلوم نیست که چه زمانی بتواند این کار را انجام دهد. رژیم ملاحا به اورانیوم غنی‌سازی شده با غلظت بالا برای ساختن ۱۰ بمب اتم دست یافته است. جمهوری اسلامی اکنون به دنبال دستیابی به چاشنی‌های انفجاری بمب اتم است و جهان نیز نمی‌تواند چنین اقدامی را ردگیری کند.»

او افزود: «این به این معنی است که یک روز از خواب بلند می‌شویم و می‌بینیم در یکی از بیابان‌های ایران یک بمب اتم آزمایش شده و خاورمیانه وارد یک کابوس اتمی شده است. اسرائیل توجیه و توانایی لازم را برای جلوگیری از چنین وضعی دارد و اکنون زمان اقدام است.»

۱۰ مهر بود که راکت‌های سپاه پاسداران جمهوری اسلامی اسرائیل را هدف قرار دادند و وعده صادقی که برای ترور هنیه در تهران توسط دولت اسرائیل داده شده بود را محقق کردند.

عملیاتی که ضربه کاری به اسرائیل وارد نکرد. ارتش اسرائیل اعلام کرد که پایگاه‌های هوایی «نواتیم» در صحرای نقب و «تل‌نوف» در مرکز اسرائیل، هدف حملات راکتی ایران قرار گرفته است و فقط آسیب جزئی به این پایگاه رسانده است.

واشنگتن پست هم در خبری اعلام کرد ایران در حمله راکتی اخیر خود در عبور کردن از سد دفاعی اسرائیل موفق بود و چندین راکت به ۳ تاسیسات اطلاعاتی-نظامی اسرائیل با موفقیت اصابت کرد.

جاناتان کانریکس عامل موساد در مصاحبه با CNN می‌گوید با کمک کارشناسانی، چون بهنام بن طالبو و سعید قاسمی‌نژاد و چند خارجی دیگر حمله به اهدافی در ایران را آنالیز و تحلیل کرده‌اند.

جالب است بدانید کانریکس، بهنام بن طالبو و سعید قاسمی‌نژاد عضو بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در امریکا هستند. بنیادی که به اسم «دفاع از دموکراسی» فعالیت دارد که از جمله آن می‌توان به تدوین سیاست تجاوز امریکا به عراق، تدوین سیاست‌های تحریم ایران، خروج از برجام و حالا هم تدوین نقشه تجاوز اسرائیل به ایران اشاره کرد.

قاسمی‌نژاد که جزو تئوریسین‌های رضا پهلوی به حساب می‌آید دائم در حال تلاش برای حمله نظامی اسرائیل به ایران است و اهداف این اقدام را به‌طور علنی بیان می‌کند.



با آشکار شدن نقش امثال سعید قاسمی نژاد که دست راست رضا پهلوی فرزند شاه برکنار شده ایران است در تلاش است که آمریکا و اسرائیل برای حمله نظامی به ایران در تلاش هستند تا بتوانند اشغال نظامی ایران، سلطنت را در این احیا کنند.

پس از آن که رضا پهلوی در سال ۱۴۰۱ با سفر با اسرائیل با بنیامین نتانیاهو و سایر مقامات اسرائیلی دیدار کرد، او حالا با سخنرانی در شورای اسرائیلی-آمریکایی Israeli-American Council از لابی‌های کلیدی اسرائیل در آمریکا، تجدید پیمان کرد. او در جریان این سخنرانی خواستار اقدام مشترک آمریکا، اسرائیل و یک پارتیز ایرانی علیه جمهوری اسلامی ایران شد و خود را پاتر ایرانی خواند!



از راست به چپ: مایکل مک‌کال، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا؛ رضا پهلوی؛ کوین مک‌کارتی، رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا؛ مایک پمپئو، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا  
 رضا پهلوی صبح روز یکشنبه ۲۳ مهر در گفت‌وگویی با شبکه خبری فاکس نیوز گفت به منظور برقراری صلح و ثبات در خاورمیانه، به جای جنگیدن با شاخک‌ها باید چشم اختاپوس جمهوری اسلامی را درآورد.  
 به گفته او، از همان ابتدا رژیم جمهوری اسلامی بر ذهنیت رفاه و توسعه بنا نیافت بلکه بر اساس زیاده‌خواهی و صدور یک جهان‌بینی مبتنی بود و هزینه آن را بر شهروندان ایرانی تحمیل کرد.  
 به گفته او، هرآنچه امروز در نتیجه آن اتفاق می‌افتد، نشانه‌ای از این «سرطان» است که از تهران آغاز شد. به گفته او، «اگر می‌خواهید سرطان (جمهوری اسلامی) را علاج کنید، باید چشم اختاپوس جمهوری اسلامی را از حدقه دریاورید و به جنگیدن با شاخک‌ها بسنده نکنید.»  
 رضا پهلوی، تاکید کرد: «در نهایت، راه حل در تهران و تغییر رژیم است.»  
 پیش از سخنان رضا پهلوی، مایکل مک‌کال، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان، در گفت‌وگو با شبکه خبری فاکس نیوز وضعیت در منطقه را «بسیار خطرناک» خواند.

مک‌کال گفت این نگرانی وجود دارد که درگیری‌ها فراتر از غزه و به منطقه گسترش یابد اما در حال حاضر تلاش ایالات متحده این است تنش‌ها مهار شوند، و غیرنظامیان بی‌گناه به جنوب غزه و نهایتاً پس از موافقت مصر به این کشور بروند.

به‌گفته مک‌کال، افزایش تنش‌ها از سوی حزب‌الله و همچنین نقش جمهوری اسلامی «بسیار واقعی» است. مک‌کال افزود حزب‌الله با حدود ۱۰۰ هزار راکت خود می‌تواند سامانه گنبد آهنین اسرائیل را با بار بسیار زیادی مواجه کند. رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا تهدید جمهوری اسلامی درباره ورود اسرائیل به غزه را «ترسناک» خواند.

او هدف از ورود اسرائیل به غزه را نابودی حماس خواند و گفت در صورت ورود حزب‌الله و یا ورود مستقیم خود جمهوری اسلامی به جنگ، کمیته تحت سرپرستی‌اش در مجلس نمایندگان این قدرت را دارد اعلان جنگ کند و مجوز استفاده از نیروی نظامی را صادر کند.

مک‌کال گفت در حال حاضر ایالات متحده فقط تسلیحات و آموزش نظامی در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد. او درباره رابرت مالی گفت آقای مالی مذاکره‌کننده ارشد امریکا در رابطه با ایران بود اما اکنون با تحقیقات پولیس فدرال، اف‌بی‌آی، به دلیل سوءمدیریت اطلاعات محرمانه روبرو است. مک‌کال به رابطه مالی و افراد عضو «ابتکار کارشناسان ایران» اشاره کرد.

به گفته مک‌کال، با به قدرت رسیدن بایدن جمهوری اسلامی توانسته ۳۰ میلیارد دلار به دلیل «عدم اعمال» تحریم‌ها درآمد کسب کند و آن را نه تنها برای تقویت ماشین جنگی و برنامه هسته‌ای خود صرف کند بلکه ۵۰ میلیون دلار از آن را به همراه اسلحه به حماس بدهد که این گروه را در حمله هفته گذشته تقویت کرد.

مک‌کال، همچنین به آزادسازی شش میلیارد دلار و انتقال آن از کره جنوبی به قطر اشاره کرد و گفت بر خلاف گفته‌های مقامات دولت بایدن، رئیس جمهوری ایران گفته جمهوری اسلامی این پول را هرگونه بخواهد صرف خواهد کرد.

پس از مصاحبه مایکل مک‌کال با شبکه فاکس‌نیوز، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا، نیز در این برنامه حضور یافت و گفت در حال حاضر خطر افزایش تنش‌ها حتی «بیش از هشت روز پیش» است.

پمپئو جمهوری اسلامی ایران را «آدرس صحیح» برای حل مشکل کنونی دانست. وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده گفت برخلاف گفته‌های مقامات دولت بایدن، جمهوری اسلامی این اقدام را انجام داد و پاسخ نیز باید علیه جمهوری اسلامی ایران باشد.

پمپئو گفت تا زمانی که جمهوری اسلامی در جای خود نشانده نشود، اقداماتی اینچنین از سوی حوثی‌های یمن، شبه‌نظامیان شیعه در عراق، و یا سلول‌های خفته در دنور یا هیوستون ادامه خواهد یافت.

او ابراز اطمینان کرد اسرائیل سهم خود از مقابله با تهدید ایران را در غزه انجام خواهد داد.

پمپئو در بخش دیگری از سخنانش، گفت چنانچه جمهوری اسلامی به جنگ‌افزار هسته‌ای دست یابد، چند کشور دیگر خاورمیانه نیز هسته‌ای خواهند شد و این برای ایالات متحده «واقعا بد» است.

مایک پمپئو یادآور شد در پایان دوره تصدی او در وزارت امور خارجه امریکا، جمهوری اسلامی روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت می‌فروخت اما این رقم در حال حاضر «۳ و نیم تا ۴ میلیون» بشکه است.

او با اشاره به کشته شدن ۲۹ امریکایی و به گروگان گرفته شدن ده‌ها تن دیگر از سوی حماس گفت دولت بایدن باید سیاست «مماشات» با جمهوری اسلامی را پایان دهد، مکانیسم ماشه را فعال کند، تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را



«مجددا» اعمال کند، و از کل ابزارهای در دسترس علیه جمهوری اسلامی استفاده کند. به گفته پمپئو، برای توقف قتل‌عام، باید تروریست‌های حماس از بین بروند.

او در پاسخ به تهدید جمهوری اسلامی در رابطه با هجوم اسرائیل به غزه گفت ایالات متحده توانائی آن را دارد که مستقیم با جمهوری اسلامی سخن بگوید و آنها را از تهدید کردن باز دارد. به گفته او، زمانی که دولت ترامپ با جمهوری اسلامی این‌چنین سخن گفت، مقامات ایرانی به خوبی «قدرت واقعی امریکا» را فهمیدند و اکنون نیز دولت بایدن باید چنین رویکردی اتخاذ کند.

او در پایان سخنانش گفت گسترش درگیری‌ها به منطقه به نفع هیچ کسی نیست و اظهار امیدواری کرد دولت بایدن در این زمینه موفق عمل کند.

پس از مایک پمپئو، کوین مک‌کارتی، رئیس سابق مجلس نمایندگان امریکا، گفت شرایط «بحرانی» است. او گفت ایالات متحده امریکا باید «یکصدا» در ارتباط با درگیری میان اسرائیل و حماس موضع‌گیری کند. به گفته مک‌کارتی، حماس به تنهایی قادر به انجام حمله هفته گذشته نمی‌بود.

او ایران، روسیه، و چین را «محور شرارت» خواند. به گفته مک‌کارتی، زمانی که بایدن رئیس جمهور شد، جمهوری اسلامی تنها چهار میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت اما این رقم اکنون ۷۰ میلیارد دلار است.

او در ادامه گفت جمهوری اسلامی اکنون از لحاظ مالی قوی‌تر است و می‌تواند تروریسم را تامین مالی کند. مک‌کارتی تصریح کرد باید ایالات متحده امریکا نیرومندان با شرایط جاری روبرو شود. او با اشاره به کشته‌شدن ۲۹ امریکائی در حمله حماس گفت فروش روزانه نفت ایران در زمان رئیس جمهوری شدن بایدن ۴۰۰ هزار بشکه بود اما اکنون این رقم سه میلیون است و جمهوری اسلامی توان مالی بیشتری برای تامین فعالیت‌های تروریستی خود در اختیار دارد.



### سال‌گرد جنگ اسرائیل در غزه؛ هزاران طرفدار فلسطین در سراسر جهان به خیابان‌ها آمدند

حدود ۴۰ هزار تظاهرکننده حامی فلسطین در این روز در مرکز شهر لندن تجمع کردند و هزاران نفر نیز در شهرهای پاریس، رم، مانیل و کیپ‌تاون به خیابان‌ها آمدند.

در لندن تعدادی از معترضان پوسترهائی با مضمون «دست‌های استارمر خونی است» حمل می‌کردند. اگنس، از معترضان طرفدار فلسطین می‌گوید: «متأسفانه با وجود تمام حسن نیت ما، دولت اسرائیل هیچ توجهی نمی‌کند و آن‌ها به جنایات خود در غزه ادامه می‌دهند. اکنون نیز در لبنان و یمن درگیر جنگند و احتمالاً بعدها در ایران اقدام به جنگ خواهند کرد. دولت ما انگلیس، متأسفانه فقط حرف می‌زند و به تامین سلاح برای اسرائیل ادامه می‌دهد.»

حامیان طرفدار اسرائیل نیز در لندن هنگام عبور راهپیمایان حامی فلسطین، پرچم‌هایشان را به اهتزاز درآوردند. بنا بر اعلام پولیس ۱۵ نفر در حاشیه این تظاهرات دستگیر شدند که مشخص نیست آیا بازداشت‌شدگان از هر دو گروه بودند یا خیر.

در پاریس حسام حسین، معترض لبنانی-فرانسوی می‌گوید: «ما از جنگ منطقه‌ای می‌ترسیم، زیرا در حال حاضر تنش‌هایی با ایران و یمن وجود دارد. باید جنگ را متوقف کنیم زیرا وضعیت غیرقابل کنترل شده است.»

در شهر رم، پایتخت ایتالیا حدود ۶ هزار معترض از دستور ممنوعیت راهپیمایی در مرکز شهر پیش از سالگرد ۷ اکتوبر سرپیچی کردند و حتی منجر به وقوع درگیری‌هایی شدند. پولیس نیز پس از شروع درگیری، اقدام به استفاده از گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش کرد.

در شهر برلین حدود ۱۰۰۰ تظاهرکننده در حالی که پرچم فلسطین را در دست داشتند و شعار «یکسال نسل‌کشی» سر می‌دادند، به خیابان‌ها آمدند.

گزارش‌ها حاکی از وقوع درگیری میان پولیس و معترضان طرفدار فلسطین است و تظاهرکنندگان از آنچه خشونت پولیس علیه معترضان طرفدار فلسطین در آلمان می‌خوانند، انتقاد کردند.

حامیان اسرائیل نیز در شهر برلین علیه یهودی‌ستیزی فزاینده تظاهرات کردند.

در شهر مانیل، فعالان پس از ممانعت پولیس از برگزاری تظاهرات مقابل سفارت ایالات متحده در پایتخت فیلیپین، با پولیس ضدشورش درگیر شدند. قرار بود این تظاهرات در اعتراض به تامین سلاح از سوی امریکا برای اسرائیل برگزار شود.

در دیگر کشورها از جمله ایالات متحده و شیلی نیز در بعد از ظهر شنبه به وقت محلی، تظاهراتی به مناسبت اولین سالگرد این جنگ برگزار شد.

شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴ گزارش داد هزاران نفر در شهرهای مختلف جهان به خیابان‌ها آمدند تا حمایت خود را از مردم غزه و اعتراض به ادامه درگیری‌های اسرائیل و فلسطین اعلام کنند.

هزاران نفر با پرچم‌های فلسطین به خیابان‌های رباط(پایتخت مغرب) آمدند و حمایت خود را از مردم غزه ابراز کردند، این در حالی است که درگیری‌های اسرائیل و غزه به اولین سالگرد خود نزدیک می‌شود. برخی نیز پرچم‌های لبنان را حمل می‌کردند و خواستار پایان جنگ در غزه و همچنین پایان کمپین نظامی اسرائیل علیه حزب‌الله در لبنان بودند.

تظاهرکننده: این تظاهرات یک سال پس از تجاوز اسرائیل علیه برادران فلسطینی ما که به کشورهای دیگر نیز گسترش یافت، برگزار می‌شود. هرچه این جنگ بیش‌تر ادامه پیدا کند، بیش‌تر ماهیت واقعی اسرائیل و کشتار ناخوشایند زنان و کودکان را نشان می‌دهد.

صحنه‌های مشابهی در کراچی و استانبول مشاهده شد، جایی که برخی از معترضان از گسترش بیش‌تر درگیری‌ها هراس داشتند.

تظاهرکننده در استانبول: یک سال گذشته و جنگ متوقف نشده است. متأسفانه به کشورهای دیگر نیز گسترش یافته است. صادقانه بگویم، ما نگرانیم که به کشور ما نیز گسترش پیدا کند. امیدوارم کودکان و افراد بی‌گناه کشته نشوند.

تظاهرات حامیان فلسطین همچنین در سیدنی(استرالیا) و شهرهای اروپایی از جمله بارسلونا و برلین برگزار شد، جایی که برخی از شرکت‌کنندگان اسرائیل را به نسل‌کشی متهم کردند.

در جاکارتا، گروهی از معترضان در نزدیکی سفارت امریکا گرد هم آمدند و از واشنگتن خواستند تا ارسال سلاح به اسرائیل را متوقف کند. مراسم یادبودی برای قربانیان حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتوبر نیز در آخر هفته برگزار شد و مراسم بیش‌تری برای روز دوشنبه در سراسر جهان برنامه‌ریزی شده است.

شبکه تلویزیونی آر. تی روسیه گزارش داد هزاران نفر از مردم شهر بارسلون اسپانیا روز گذشته، ۶ اکتوبر، به مناسبت فرا رسیدن سالروز آغاز حملات اسرائیل به نوار غزه به خیابان‌ها آمدند تا در بحبوحه تنش‌های کنونی در خاورمیانه، با برگزاری تظاهرات، با مردم فلسطین و لبنان ابراز همبستگی کنند.

کانال تلگرامی «فلسطین آنلاین» با انتشار تصویری گزارش داد حامیان فلسطین با تجمع در خیابان‌های دیترویت امریکا به مناسبت فرا رسیدن سالروز ۷ اکتوبر، همبستگی خود را با مردم فلسطین نشان دادند.

پایگاه فرانسوی زبان «اخبار فلسطین» با انتشار ویدئویی در پیام رسان تلگرام گزارش داد حامیان فلسطین در محله فرانسوی زبان نیواورلئان در ایالت لوئیزیانا امریکا دیشب با برگزاری تظاهرات به مناسبت فرا رسیدن سالروز ۷ اکتوبر، همبستگی خود را با مردم غزه نشان دادند. تظاهرکنندگان شعار «از رودخانه تا دریا، فلسطین آزاد خواهد شد» سر دادند.

خبرگزاری فرانسه روز دوشنبه تصاویری از تظاهرات هزاران نفر در برلین، پایتخت آلمان در حمایت از فلسطینی‌ها منتشر کرد.

به گزارش شبکه تلویزیونی پرس تی وی، ده‌ها هزار نفر در حمایت از مردم فلسطین در شهر سیدنی در استرالیا تظاهرات کردند.

یک سال پس از نسل‌کشی اسرائیل در غزه، استرالیایی‌ها همچنان به حمایت قاطع خود از فلسطین ادامه می‌دهند. ده‌ها هزار نفر روز یکشنبه در خیابان‌های سیدنی تجمع کردند تا خشم خود را نسبت به بمب‌گذاری‌های مداوم اسرائیل ابراز کنند. معترضان خواستار تحریم اسرائیل شدند و خواستار اقدام شدیدتر علیه این رژیم شدند.

در میان تدابیر شدید امنیتی، بسیاری از استرالیایی‌ها برای ابراز همبستگی با مردم فلسطین و لبنان به خیابان‌ها آمدند. در ۵۲ هفته گذشته، این تظاهرکنندگان پیوسته به خشم جهانی علیه آنچه که نسل‌کشی اسرائیل در غزه و لبنان توصیف می‌کنند، پیوسته‌اند. خیابان‌ها با شعارهایی برای فلسطین و لبنان طنین‌انداز شد و تظاهرکنندگان با هم صدای خود را بلند کردند. معترضان خواستار پاسخ‌گویی دولت شدند و خواستار پایان دادن به خشونت و ترغیب جامعه جهانی به اقدام شدند.

تظاهرات طرفدار فلسطین در سال گذشته نیز به بزرگترین تظاهرات در تاریخ استرالیا تبدیل شده است و تعداد آن‌ها هر هفته به‌طور پیوسته افزایش می‌یابد.

با تشدید اقدامات اسرائیل، تقاضای جهانی برای آتش‌بس فوری و عدالت برای مردم فلسطین قوی‌تر شده است. درخواست‌ها برای مسئول پذیر کردن عاملان جنایات جنگی در حال افزایش است.

شبکه تلویزیونی «پرس تی وی» روز یکشنبه از برگزاری تظاهرات در شهر «سئول»، پایتخت «کره جنوبی» در حمایت از فلسطین خبر داد.

تجمع‌های بیش‌تری نیز در سرتاسر جهان از جمله در «دانمارک»، «سوئیس»، «آفریقای جنوبی» و «هند» برنامه‌ریزی شده است.

معترضان به جنایات دولت اسرائیل، روز شنبه در استکهلم پایتخت سوئد تظاهرات کردند و نسل‌کشی این دولت و کشتار کودکان فلسطینی را محکوم کردند.

گر تا تونبرگ فعال محیط زیست سوئدی نیز جزو هزاران نفری بود که در این تظاهرات شرکت فعال داشت. معترضان بنرهایی در دست داشتند که روی آن‌ها نوشته شده بود: «نسل‌کشی را متوقف کنید» و «کودکان در غزه کشته می‌شوند».

تونبرگ در حاشیه این تظاهرات در جمع خبرنگاران گفت: «هر کسی که می‌تواند کاری انجام دهد باید صدایش را بلند کند و هر اقدامی که برای متوقف کردن آن امکان دارد، انجام دهد.»



سربازان اسرائیلی خسته از جنگ

### جمع‌بندی

به‌نظر می‌رسد که حمله هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ حماس به شهرک‌های مرزی اسرائیل، نه بسیار پیچیده و نوآورانه بود و نه کاملاً ساده و ابتدائی. نوع عملیات به برنامه‌ریزی، هماهنگی، زمان و تمرین دقیق نیاز داشت و اساساً این نوع حمله چیزی بود که اسرائیلی‌ها می‌توانستند انتظار آن را داشته باشند و باید پیش‌بینی می‌کردند، حتی اگر در مقیاسی که انجام شده بود، رخ نمی‌داد. این شکست و ضعف عملیاتی در میان طیف گسترده‌ای از نقص‌های لجستیکی و اطلاعاتی توسط سرویس‌های امنیتی اسرائیل بود که راه را برای تهاجم نیروهای حماس به جنوب اسرائیل هموار کرد. این پیامدها برای امنیت اسرائیل یک آسیب جدی بوده و همچنین به شهرت آن در منطقه به عنوان یک شریک نظامی قابل اعتماد آسیب می‌رساند. اسرائیل برای برخی از کشورهای منطقه در مسائل امنیتی یک دارائی استراتژیک بود و اکنون تصویر این است که اسرائیل نیز واجد ضعف‌های جدی است.

سرویس‌های امنیتی اسرائیل در مورد میزان شکست اولیه خود بحثی ندارند؛ اما آن‌ها می‌گویند که فقط پس از پایان جنگ می‌توان آن را مورد بررسی جدی و دقیق کرد.

اکنون اسرائیل به‌طور قابل توجهی حملات خود علیه حزب‌الله را افزایش داده و عملیاتی زمینی را در جنوب لبنان آغاز کرده و از سوی دیگر، با موج حملات هوایی موجب به بار آمدن ویرانی در این کشور شده است. بیش از هزار لبنانی کشته و یک میلیون نفر نیز آواره شده‌اند.

اسرائیل در نزد حاکمات ایالات متحده امریکا، به‌مثابه یکی از ایالت‌های امریکا محسوب می‌شود و به همین دلیل، دولت‌های امریکائی چه دموکرات‌ها و چه جمهوری‌خواهان در هر وضعیتی و شرایطی، همواره و بدون چون و چرا از اسرائیل حمایت می‌کنند.

صرف‌نظر از شرایط منطقه‌ای از زمان آغاز برنامه مخفیانه تسلیحات هسته‌ای تل‌آویو در اوایل دهه ۱۹۶۰ تا ساخت شهرک‌های غیرقانونی در بلندی‌های جولان، کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی، و اشنگتن شروع به ارسال تسلیحات و پول بیش‌تر به اسرائیل کرد.

روابط ایالات متحده و اسرائیل، عمدتاً با تعهد مداوم و اشنگتن به امنیت اسرائیل تعریف شده است. این تعهد با به رسمیت شناختن رسمی دولت یهود در سال ۱۹۴۸ توسط رئیس‌جمهور هری استرومن آغاز شد.

در مجموع واشنگتن در طول این مدت، ۳۰۰ میلیارد دلار به اسرائیل کمک کرده و این بیشترین کمکی است که ایالات متحده به یک متحد خارجی‌اش ارائه کرده است. این کمک‌ها به اسرائیل، یک موقعیت ویژه نظامی کیفی ارائه کرده است.

پس از گذشت یک سال کامل از جنگ در غزه، اسرائیل از جریان مداوم ارسال تسلیحات امریکائی برای انتقام از حمله ۷ اکتوبر توسط حماس استفاده کرده است. تا به امروز، بیش از ۴۲۰۰۰ فلسطینی در غزه که عمدتاً غیرنظامی بوده‌اند، کشته شده‌اند.

حداقل ۹۰ درصد از جمعیت ۲ میلیون و سیصد هزار نفری غزه آواره شده‌اند و اکثریت قریب به اتفاق ساختمان‌ها و زیرساخت‌های غزه ویران شده‌است. با حمله اسرائیل به جنوب لبنان و سناریوی احتمال آغاز جنگ منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران، به‌نظر می‌رسد که روابط ایالات متحده و اسرائیل به مقطع حساسی رسیده است.

جف آرونسون، از انستیتو خاورمیانه، می‌گوید «روابط بین ایالات متحده و اسرائیل بر اساس تفاهات اساسی ایالات متحده و اسرائیل که پس از جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ حاصل شد، استوار است و براساس این توافق ایالات متحده متعهد شده که برتری نظامی متعارف اسرائیل را در مقابل ترکیبی از دشمنان منطقه‌ای حفظ کند. در مقابل، اسرائیل متعهد شده که در مورد زرادخانه تسلیحات هسته‌ای خود، سیاست ابهام را در پیش بگیرد.

به‌ویژه در سال گذشته، دولت بایدن به تعهد خود مبنی بر حفظ برتری نظامی کیفی اسرائیل، که تعهدی است که در قوانین ایالات متحده امریکا به قانون تبدیل شده، وفادار مانده است. ایالات متحده اصرار دارد که حمایتش از اسرائیل «آهنین» باقی می‌ماند. جو بایدن به صراحت اعلام کرده: «اشتباه نکنید! ایالات متحده به‌طور کامل از اسرائیل حمایت می‌کند.»

اندی باسویچ، هم‌بنیانگذار م‌سسه کونینسی و استاد دانشگاه بوستون نیز گفته است تا زمانی که جو بایدن در کاخ سفید است، هیچ تغییر واقعی در روابط امریکا و اسرائیل رخ نخواهد داد. آنچه در طول سال گذشته تغییر کرده، نگرش مردمی امریکا نسبت به اسرائیل است. «حق دفاع از خود» که اسرائیل مدام مطرح می‌کند، نمی‌تواند توجیه اخلاقی کافی برای مجازات وحشیانه‌ای که بر مردم فلسطین تحمیل شده است، باشد. بسیاری از امریکائی‌ها عادت کرده بودند که درگیری اعراب و اسرائیل را رقابتی بین یک طرف بی‌گناه و یک طرف مجرم ببینند. حوادث غزه و لبنان این فرمول را یکبار برای همیشه از بین برده است.

اسرائیل در سال‌های اخیر ایست‌های بازرسی را در کرانه باختری افزایش داده، فلسطینی‌ها را از سرزمین‌شان بیرون کرده و به شهرکنشینان یهودی اجازه داده بدون این‌که مجازات شوند به فلسطینی‌ها حمله کرده و حتی دام‌هایشان را بزدند. دولت فعلی امریکا چشمان خود را بر همه این‌ها بسته است. اما واقعیت این است که دولت‌های قبلی امریکا نیز چنین کرده است. مهم نیست که چه کسی در امریکا رئیس‌جمهور باشد. هیچ چیز تغییر نکرده است و هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. حتی در سیاست مسموم کنونی امریکا، توافق دوحزبی در دالان‌های قدرت در مورد یک مسئله حاکم و آن این‌که از اسرائیل باید برای همیشه و به‌طور واضح حمایت کرد، تغییر نکرده است.

با این وجود، از نظر حزب لیگود، حزب جمهوری‌خواه بهتر است و جمهوری‌خواهان می‌توانند از کارت حمایت از اسرائیل منافع سیاسی به‌دست آورند و از این کارت برای شکست دادن دموکرات‌ها استفاده کنند. استفاده جمهوری‌خواهان از این کارت برای اسرائیل مخاطره‌آمیز است. زمانی که چندی پیش نتانیاهو در کنگره سخنرانی کرد، نیمی از اعضای حزب دموکرات از حضور در این نشست خودداری کردند و در حالی که بایدن تا حد زیادی دیدگاه‌های تاریخی خود را در مورد اسرائیل حفظ کرده است.

دولت امریکا حمایت نظامی و سیاسی بی‌سابقه‌ای برای جنگ غزه به اسرائیل ارائه کرده است و اکنون به‌طور خطرناکی به حمایت نظامی از جنگ اسرائیل در لبنان، یمن، عراق، سوریه و ایران ادامه می‌دهد. این موضوع باعث ناهماهنگی فاحش سیاست‌های ایالات متحده در قبال اسرائیل با احساسات عمومی و نقش بد بزرگ سازمان‌های طرفدار اسرائیل، از جمله نفوذ آن‌ها بر مقامات دولتی برای ترویج سیاست‌های خطرناک شده است.

حملات حزب‌الله لبنان نیز حدود ۶۰ هزار نفر از ساکنان مناطق شمالی را مجبور به ترک خانه‌هایشان کرده است. امروز، گسترش درگیری‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله، از جمله ترور «سید حسن نصرالله» دبیرکل آن و حمله تلافی‌جویانه اخیر ایران علیه اهداف نظامی باعث شد منطقه به آستانه جنگی تمام‌عیار برسد.

به‌علاوه در این یک سال جنگ، مردم اسرائیل نیز همواره در استرس و نگرانی و ترس به‌سز برده‌اند و با هر صدای آژیر خطر، پیر و جوان و کودک مجبورند سراسیمه و نگران به پناهگاه‌ها بروند. حتی گاهی در طول شب، با صدای آژیر خطر، چند بار از خواب بیدار شوند و به پناهگاه‌ها بروند.

اکنون نتانیاهو بی‌پروا تر به‌نظر می‌رسد اما اسرائیل در نزد افکار عمومی مترقی جهان، بیش از پیش منزوی شده و دولت آن با اتهاماتی از جمله نسل‌کشی در غزه مواجه است. با گذشت دوازده ماه از این درگیری، اسرائیل به جای امن‌تری تبدیل نشده، مردم آن از آسیب روحی آزرهای شبانه‌روزی رنج می‌برند و منطقه نیز در رنج و گرفتار آتش این جنگ شده است.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل روز دوشنبه اعلام کرد که کشورش در حال تغییر واقعیت امنیتی در منطقه است تا اطمینان حاصل کند که حمله‌ای مانند حمله هفت اکتوبر سال گذشته دیگر تکرار نمی‌شود. وی در جلسه ویژه کابینه اعلام کرد که می‌خواهد این جنگ را «جنگ رستاخیز» بنامد.

روزنامه تایمز اسرائیل به نقل از یک مقام اسرائیلی گزارش داد که بنیامین نتانیاهو پس از نشست با اعضای دولت به‌مناسبت سال‌گرد هفتم اکتوبر، خواستار تشکیل یک جلسه توجیهی امنیتی فوری شده است؛ به‌طوری‌که دیدار برنامه‌ریزی شده او با ران درمر، وزیر امور استراتژیک و ژان نوئل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه در آخرین لحظه به تعویق افتاد.

از زمان آغاز جنگ در غزه، تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها بارها با شکست مواجه شده و قدرت‌های بزرگ نتوانسته‌اند جلوی درگیری‌ها را بگیرند یا حتی بر آن‌ها تأثیر بگذارند. ادامه این ناکامی نشان‌دهنده وجود یک نظم جهانی نابسامان است که نمی‌تواند برای اجرای قوانین بین‌المللی یا حتی قواعد قدیمی درگیری‌ها اتفاق نظر داشته باشند. به‌نظر می‌رسد این شکاف‌ها عمیق‌تر شده و عواقب وحشتناکی برای منطقه و مردم آن به همراه خواهد داشت.

اما خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران و فرماندهان سپاه پاسداران، کمترین اهمیتی به جان و مال مردم نمی‌دهند و فقط به فکر حاکمیت خود و نیروهای نیابتی‌شان در منطقه هستند.

پس از دومین حمله راکتی سپاه پاسداران به اسرائیل، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر و فرماندهان ارتش این کشور، بلافاصله واکنش نشان دادند و تهدید کردند این اقدام ایران بی‌پاسخ نخواهد ماند. بسیاری از متحدان اسرائیل حمله راکتی ایران به اسرائیل را محکوم کردند.

ترور هنیه در قلب تهران و پیش‌تر ترور دانشمندان اتمی جمهوری اسلام در قلب تهران و در میان حله‌هایی از نیروهای حفاظتی، نشان داد که آنچه جمهوری اسلامی «عمق استراتژیک» نامیده می‌شد در عمل به یک فاجعه «استراتژیک» بدل شده است.

بحران امنیتی-اطلاعاتی که جمهوری اسلامی و همچنین نیروهای نیابتی‌اش در چند ماه اخیر از سرگذارده‌اند از اواخر دهه شصت بی‌سابقه است و چالش‌های امنیتی پیش‌روی حکومت از آنچه پشت سر گذاشته بسیار دشوارتر خواهد بود؛ و چیزی که در این میان گویا اهمیتی ندارد امنیت مردم است.

اکنون با درگیری‌ها و تهدیدها بین ایران و اسرائیل، نگرانی‌هایی در مورد یک جنگ تمام‌عیار در کشورهای همسایه، شامل سوریه، ایران، عراق، یمن و شاید اردن، افزایش یافته است. این نگرانی‌ها بعد از حملات راکتی ایران به اسرائیل در روز سه‌شنبه گذشته حداقل دو برابر شده و احتمال حملات شدیدتری از سوی اسرائیل وجود دارد. و اگر جمهوری اسلامی ایران، در عکس‌العمل به حمله احتمالی اسرائیل، بار دیگر به اسرائیل حمله کند، ایالات متحده و سایر کشورهای غربی حامی اسرائیل ممکن است مستقیماً مداخله کنند که احتمال وقوع یک جنگ تمام‌عیار را بیش‌تر می‌کند.

شاید بسیاری از شهروندان ایرانی با جنگ علیه اسرائیل موافق نیستند، زیرا در داخل کشور با مسائل بسیار مهم‌تری مواجه هستند به ویژه سرکوب‌های خونین جمهوری اسلامی و فقر و گرانی! آن‌ها می‌دانند که احتمال دارد جنگ بین ایران و اسرائیل، فاجعه‌بارتر از جنگ ایران و عراق خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۷ اکتوبر ۱۶-۲۰۲۴ مهر-میزان-۱۴۰۳

ناشر: نشر کتابخانه گرایش مارکسی

